

«...دعواهای ما دعوائی نیست که برای خدا باشد
... همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوی ما برای
خدا است ما برای مصالح اسلامی دعا می کنیم...
دعوی من و شما و همه کسانی که دعا می کنند همه
برای خودشان است...»

امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹



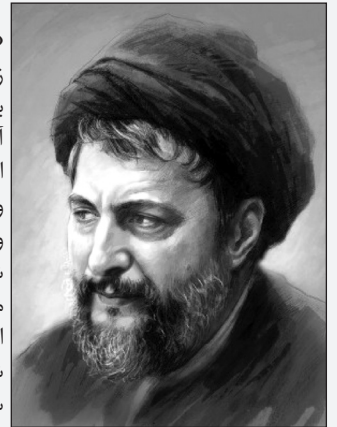
شهید حکیم
از پیشگامان
مبارزات حوزه
علمیه نجف
اشرف



سال سی و هفتم • شماره ۱۱ • شماره مسلسل ۱۵۲۹ • نیمه اول شهریور ماه ۱۳۹۵ • قیمت: ۵۰۰ تومان

نماینده جنبش امل:

در پیگیری مسأله ربوده شدن «امام موسی صدر» کوتاهی کرده ایم



وقتی در سال ۱۳۳۸ هـ.ش، «سیدموسی صدر» به لبنان رفت تا زعامت شیعیان این کشور را برعهده بگیرد، لبنان، سرزمین اختلاف و آشوب بود. اقلیت مسیحی، مناصب اصلی حکومتی، مانند ریاست جمهوری و فرماندهی ارتش را در اختیار داشت. وضعیت شیعیان در این کشور به شدت وخیم بود و همین امر نیز انگیزه مجاهدت ها و تلاش های شبانه روزی امام موسی صدر برای ارتقای وضعیت شیعیان و به صورت کلی لبنان شد اما سال ها بعد خبر تلخی منتشر شد؛ امام موسی صدر پس از سفر به کشوری در قاره سیاه، توسط برخی عناصر ربوده شدند؛ با گذشت ۳۸ سال از ربوده شدن «امام موسی صدر»، هنوز اطلاع دقیقی از سرنوشت ایشان در دست نیست. همزمان با سی و هشتمین سالروز ربوده شدن ایشان خبرگزاری مهر با جناب «عادل عون» نماینده جنبش امل در ایران گفتگو کرد؛ «عادل عون» از مبارزان قدیمی لبنانی و از یاران نزدیک امام موسی صدر در جنبش امل بوده است. او پس از تشکیل جنبش امل، مسئول نظامی آن شد و کار نظارت بر آموزش و تجهیز و تسلیح را بر عهده داشت و در زمان اشغال اسرائیل یکی از مسئولان اتاق عملیات علیه دشمن در جنوب لبنان بود. بعد از آنکه حاج مصطفی دیرانی از مجاهدان قدیمی و با سابقه لبنانی از جنبش امل خارج شد، فرماندهی اتاق عملیات را عهده دار شد و در عین حال تا سال ۲۰۰۰ (یعنی تا زمان آزادی جنوب لبنان) عضو دفتر سیاسی جنبش بود. از سال ۲۰۰۱ تا به امروز هم مسئول دفتر جنبش امل در تهران است. شرح این گفتگو در ذیل می آید:

* شما از دوستان و همزمان «امام موسی صدر» بوده اید. لطفا در خصوص شخصیت ایشان و فعالیت هایشان در لبنان توضیحی بفرمایید.

از زمانی که امام موسی صدر در سال ۱۹۵۹ میلادی به لبنان آمدند، با ایشان آشنا شدم. شخصیت ایشان به نحوی است که سخن گفتن درباره آن به ویژه در زمینه های ایمان، فرهنگ، ادب، سیاست، مقاومت، وحدت میان مذاهب و مسلمین، وحدت میان ادیان آسمانی بسیار سخت است. ایشان در شرایطی وارد لبنان شدند که شیعیان در فقر و گرسنگی و سختی به سر می بردند و از لحاظ سیاسی نیز به آنها توجهی نمی شد و در محرومیت به سر می بردند.

* رابطه امام موسی صدر و شهید چمران را تشریح بفرمایید: عده ای معتقدند که این دو بزرگوار همچون موسی (ع) و هارون بوده اند.

این سوال مانند این است که در خصوص رابطه دست چپ و راست از من بپرسید؛ بنده ۲ سال پیش از ورود شهید چمران به لبنان با ایشان در اردوگاه نظامی در مصر و تحت آموزش های جمال عبدالناصر آشنا شدم. وی زمانی که به لبنان آمد، مدیریت مدرسه ای را برعهده گرفت تا افرادی را در عرصه بینش سیاسی و دارای توان نظامی برای مقابله با اسرائیل تربیت کند. ایشان به توصیه امام خمینی (ره) نزد امام موسی صدر رفت. پس از گذشت یک سال از رابطه شهید چمران و امام موسی صدر، عشقی الهی میان این دو شکل گرفت. شهید چمران معاون امام موسی صدر شد و ماموریت های سخت را برعهده می گرفت. ایشان مسئولیت های نظامی خطیری را برعهده داشت که خود نشان دهنده میزان احترام و اعتماد امام موسی صدر به شهید چمران است. شهید چمران دست راست امام بود. امام موسی صدر نیز فقط متعلق به لبنان و ایران نبود بلکه متعلق به تمامی جهان است.

* امام موسی صدر چگونه ربوده شد؟ علت این امر چه بود؟

امام موسی صدر گروه های مقاومتی را در لبنان ایجاد کرده بود که موجب هراس و وحشت اسرائیل شد. تا جایی که اسرائیل از گروه های مبارز فلسطینی نمی ترسید اما از تشکیلات امام موسی صدر هراس داشت. زیرا آزادسازی فلسطین هدف امام موسی صدر بود. بنابراین زمانی که متوجه شدند برنامه های امام موسی صدر برای آنها (اسرائیل) خطرناک است و ایشان به همراه برخی کشورهای عربی درصدد متحد کردن امت اسلامی هستند، ترسیدند و امام موسی صدر را به صورت رسمی به لیبی دعوت کردند. ادامه در صفحه ۶

حضرت آیت الله صافی گلپایگانی:

صدا و سیما باید
متعلق به همه مردم
و جناح ها باشد



آیت الله اراکی:

بزرگترین مصیبت
امت اسلامی
تشکیل رژیم
صهیونیستی است



حجت الاسلام والمسلمین صادقی
آرمان خبر داد:

انتخاب برترین
کتابها درباره حضرت
معصومه علیها السلام

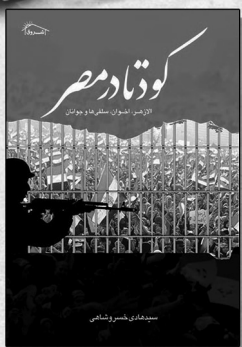


دکتر آیت پیمان
مسئول دبیرخانه شورای دین پژوهان

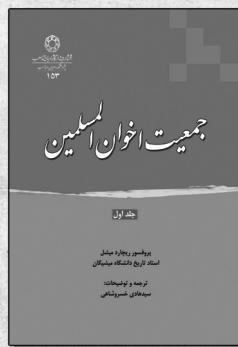
مسئولیت ما
در قبال مکتب
امام صادق



تازه ترین آثار استاد خسروشاهی



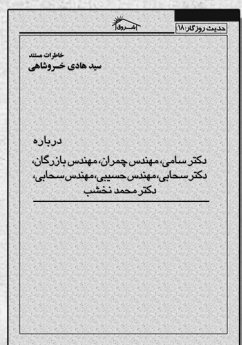
کودتا در مصر
الازهر، اخوان، سلفی ها و جوانان



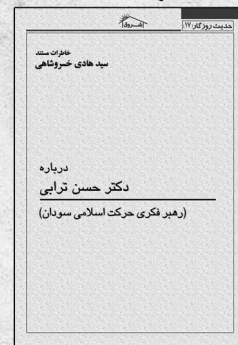
جمعیت اخوان المسلمین
در ۲ جلد



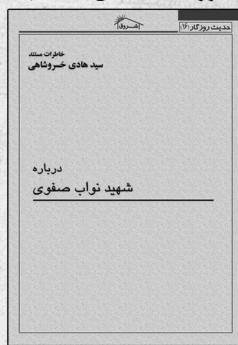
مبانی فقهی - فکری
مبارزات فدائیان اسلام



خاطرات مستند درباره
دکتر سامی، مهندس چمران،
مهندس بازرگان و...



خاطرات مستند درباره
دکتر حسن ترابی



خاطرات مستند درباره
شهید نواب صفوی

ناشر: انتشارات کلبه شروق و انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب
مرکز پخش: قم / ابتدای خیابان صفاییه / کلبه شروق / تلفن: ۳۷۸۳۸۱۴۴

فارس:حجت‌الاسلام والمسلمین شیخ علی کورانی از علمای نامدار جنوب لبنان و دارای کارنامه‌ای پرپراز تلاش‌های علمی و عملی است. وی در گفت و شنود پیش روی، شمه‌ای از خاطرات خویش از شهید آیت الله حکیم را بازگفته است.

*با خاندان حکیم و مخصوصاً شهید سیدمحمد باقر حکیم چگونه آشنا شدید؟

در سن جوانی که هنوز در لبنان به‌سر می‌بردم، ملاحظه کردم که شیعیان این کشور در احکام شرعی‌شان به مرجعیت آیت‌الله‌العظمی سیدمحسن حکیم رجوع می‌کنند.

در اوایل سال ۱۹۵۸ میلاد، برای کسب علم، همچون سایر طلاب لبنانی وارد حوزه علمیه نجف‌اشرف شدم. به یاد دارم در اواخر آن سال سرهنگ الشواف کوشید بر ضد عبدالکریم قاسم رئیس جمهور وقت عراق کودتا کند، اما، این کودتا به شکست مواجه شد. در آن زمان مرجعیت آیت‌الله‌العظمی سیدمحسن حکیم، جهانی بود، و همه شیعیان جهان از او تقلید می‌کردند. طلاب لبنانی حوزه علمیه نجف‌اشرف نیز از او تقلید می‌کردند، زیرا، او را داماد خود می‌دانستند. مادر شهید محراب آیت‌الله سیدمحمدباقر حکیم و برادرش شهید مهدی حکیم و سایر فرزندان آیت‌الله‌العظمی سیدمحسن حکیم از شیعیان جبل عامل لبنان و از خانواده مشهور «آل بزی» بوده‌است. بر این اساس طلاب لبنانی حوزه علمیه نجف‌اشرف به تقلید از مرجعیت آیت‌الله‌العظمی سیدمحسن حکیم گرایش داشتند. با این وصف دایی‌های فرزندان آیت‌الله‌العظمی سیدمحسن حکیم لبنانی هستند. ایشان ده فرزند داشت، و به یاد دارم که در مراسم عروسی سیدعبدالصاحب حکیم، یکی از فرزندان او، ابیاتی سرودم.

از میان فرزندان آیت‌الله‌العظمی سیدمحسن حکیم، سیدمحمدباقر و سیدمهدی در مسائل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی فعال بودند، و با محافل گوناگون روابط عمومی گسترده داشتند. سیدیوسف حکیم، اندیشمندی آرام بود، گاهی اوقات به نمایندگی پدرش، امامت نمازهای جماعت او را بر عهده می‌گرفت، و کمتر در مسائل سیاسی و اجتماعی دخالت می‌کرد.

من پس از استقرار در حوزه علمیه نجف‌اشرف ابتدا با آقای سیدمحمدباقر حکیم آشنا شدم، او یکی از فرزندان برجسته و فعال بیت آیت‌الله‌العظمی سیدمحسن حکیم بود. ولی، با آغاز کلاس‌های درس حوزه شهید سیدمحمدباقر صدر، بیشتر با او آشنا شدم، چرا که سیدمحمدباقر حکیم در برپایی اولین کلاس‌های درس بحث خارج فقه شهید صدر نقش مهم و پیشتازی ایفا می‌کرد. این کلاس‌ها در سال‌های ۱۹۵۸ و ۱۹۵۹ میلادی با حضور تعدادی اندک از طلاب حوزه دایر می‌شد. سیدمحمدباقر حکیم، شیخ مفید فقیه، شیخ عبدالعال مظفر و دیگران در این کلاس‌ها شرکت داشتند.

من در این سال‌ها جلد دوم کتاب الکفایه را می‌خواندم. هدف از سفرم به نجف‌اشرف تکمیل مراحل دروس مقدمات و سطوح بود. در دوره آموزش سطوح که شهید سیدمحمدباقر حکیم آن را پایه‌گذاری کرد، شرکت نمودم. در حقیقت هدف شهید حکیم از پایه‌گذاری این کلاس‌ها، تأمین روحانیون آگاه و توانمند به منظور اعزام آنان به مناطق گوناگون عراق و کشورهای عربی بود. برپایی دوره کلاس‌ها، به طور رسمی در حوزه علمیه اعلام شد، من آن روز در خدمت شهید آیت‌الله سیدمحمدباقر حکیم بودم، و از طلاب برای قبولی در این کلاس‌ها آزمون به عمل می‌آوردم. سیدمحمدباقر حکیم مردی فعال و تلاشگر بود.

هم در کلاس‌های درس شهید صدر شرکت داشت و هم مقدمات و سطوح را به طلاب آموزش می‌داد. بر این دوره تحصیلی نیز نظارت داشت. فعالیت‌ها و کارهای زیادی را پیگیری می‌کرد. علاوه بر این در برخی ماموریت‌های سیاسی و فرهنگی خارج از کشور که پدرش آیت‌الله سیدمحسن حکیم به او واگذار می‌کرد نیز شرکت می‌کرد.

*نوع نگرش آیت‌الله سیدمحسن حکیم و تعامل ایشان با حکومت وقت را چگونه دیدید؟

من بر این باورم که خط مرجعیت آیت‌الله‌العظمی سیدمحسن حکیم خط اصلاح‌گرایانه بود. او روش سایر مراجع پیشین را دنبال می‌کرد، طرح‌های انقلابی و برنامه براندازی و تلاش برای کسب قدرت در دستور کار او وجود نداشت، هنگامی که ملک فیصل پادشاه عراق از شهر نجف‌اشرف بازدید کرد، آیت‌الله سیدمحسن حکیم در بارگاه حضرت امیرالمومنین(ع) به دیدار او رفته و فهرستی از خواسته‌های مردم عراق را تسلیم او کرد. سال بعد، هنگامی که ملک فیصل دوباره از شهر نجف‌اشرف بازدید به عمل آورد، آیت‌الله‌العظمی سیدمحسن حکیم از دیدار با او امتناع ورزید، چرا؟ برای اینکه ملک فیصل خواسته‌های او را نادیده گرفته‌بود، آیت‌الله سیدمحسن حکیم، چنین ابراز عقیده می‌کرد «ما کاری با آنها نداریم، اما، در عین حال دکور بارگاه حضرت علی هم نیستیم که در این بارگاه با ما به گفت‌وگو بنشینند» روابط مرحوم آیت‌الله‌العظمی سیدمحسن حکیم با حکومت‌های پیشین عراق بر این اساس بود که فقط خواسته‌های مردم را از آنها مطالبه می‌کرد. از حکومت‌های عراق می‌خواست فقط منافع مردم را در نظر بگیرند. او معتقد بود که حکومت‌ها و نظام‌های حاکم سیاسی در حق مردم کوتاهی کرده‌اند. بنابراین، حرکت مرجعیت دینی در عراق، در قالب حرکت اصلاح‌گرایانه و رفاهی بود.

زمانی که کودتای عبدالکریم قاسم روز ۱۴ ژوئیه سال ۱۹۵۸ روی داد، با موج حمایت محافل مردمی عراق و کشورهای عربی مواجه شد، چند ماه از این کودتا نگذشته‌بود، که آیت‌الله‌العظمی سیدمحسن حکیم بیمار و در یکی از بیمارستان‌های بغداد بستری شد. عبدالکریم قاسم رئیس جمهور وقت از ایشان عیادت کرد. آیت‌الله سیدمحسن حکیم به پاس قدردانی از این موضع رئیس جمهوری عراق که از او عیادت کرده، برای او نامه نوشت و او را فرزند خود توصیف کرد و برخی خواسته‌های مردم را با او در میان گذاشت.

این روش آیت‌الله‌العظمی سیدمحسن حکیم بود، اما، پس از گسترش گرایشات کمونیستی در عراق، شهید آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر رویارویی با موج کمونیسم را بر عهده گرفت. آن روز این اندیشه در حوزه علمیه نجف قوت گرفت، که باید کمونیست‌ها را از صحنه سیاسی عراق کنار گذاشت و حکومت را در دست گرفت. تعدادی از روحانیون و علمای حوزه علمیه نجف‌اشرف نیز از این اندیشه انقلابی طرفداری کردند. بر اساس این دیدگاه «حزب الدعوة الاسلامیه» شکل گرفت.

*دیدگاه‌های شهید محراب، آیت‌الله



سیدمحمدباقر حکیم درباره مرجعیت و نقشی که برای روحانیت در آینده اسلام قائل بودند را چگونه یافتید؟

یکی از شاهکارهای شهید محراب آیت‌الله سیدمحمدباقر حکیم این است که توانست میان مرجعیت اصلاح‌طلب پدرش آیت‌الله‌العظمی سیدمحسن حکیم و جریان انقلابی که شهید سیدمحمدباقر صدر رهبری آن را بر عهده داشت، هماهنگی و همفکری ایجاد کند. او به فعالیت‌ها و تلاش‌های گوناگون اقدام کرد. برای هر صاحب‌نظری امکان ندارد یکی از ابعاد شخصیت او را بازگو کند، چه رسد به ابعاد گوناگون آن. به یاد دارم مدتی جلد دوم کتاب الکفایه را در منزل آیت‌الله سیدمحمدباقر حکیم می‌خواندم. من تعجب می‌کردم که در فصل تابستان سوزان شهر نجف‌اشرف ساعت‌های بعد از ظهر را به‌عنوان وقت تدریس تعیین می‌کرد. او می‌گفت که وقت دیگری برای تدریس من ندارد، و من می‌رفتم در زیر زمین منزل‌شان و در محضر ایشان درس می‌خواندم. خانهای که مانند خانه سایر طلاب حوزه بسیار ساده و متواضعانه بود. کودکان خود را از خواب بیدار می‌کرد، تا در برابر یکدیگر بنشینیم و درس بخوانیم.

آیت‌الله سیدمحمدباقر حکیم علاوه بر تدریس در حوزه علمیه نجف‌اشرف، در دانشکده اصول دین بغداد نیز هفته‌ای دو روز تدریس می‌کرد. او خودروی شخصی در اختیار نداشت، چند بار او را دیدم که به ترمینال شهر می‌رفت، و با خودروی کرایه‌ای به بغداد مسافرت می‌کرد. در این دانشکده اصول دین و احکام دین و علوم قرآن تدریس می‌کرد. او مردی فعال و با نشاط، با استعداد و چند بعدی بود.

*لطفاً کمی از ویژگی‌های شخصی و روحیات ایشان بگویید.

از همان مرحله نسبت به آینده خوش‌بین بود و این اوج معنویت و از خودگذشتگی او را نشان می‌دهد. من دو بار همراه ایشان با پای پیاده به کربلا رفتم. پیاده‌روی تا کربلا سه شبانه روز طول می‌کشید. در این همراهی به میزان عشق و علاقه او به خدا و خاندان اهل‌بیت(ع) پی بردم. دسته‌هایی که همراه آنها به سوی کربلا پیاده‌روی می‌کردیم، همه طلبه بودند. تنها آقای حکیم فرزند یک مرجع بزرگ تقلید بود که در میان ما حضور داشت. در این دسته‌ها طلاب لبنانی، عراقی، ایرانی و پاکستانی حضور داشتند، و آقای حکیم به همه اینها خدمت می‌کرد. از مسیر جاده اصلی و آسفالت‌شده پیاده‌روی نمی‌کردیم. از مسیر خاکی کنار رودخانه فرات به شهر کربلا پیاده‌روی می‌کردیم، هرچند این مسیر طولانی بود، اما، در ختان خرما بر آن سایه افکنده‌بودند. هرگاه عشایر میان راه آگاه می‌شدند که فرزند آیت‌الله‌العظمی حکیم در میان ماست، به استقبالش می‌آمدند و او را در آغوش می‌گرفتند. از سخنان او بهره‌مند می‌شدند. در مسیر راه سیدمحمدباقر نه علاقه داشت خود را به مردم عشایر معرفی کند، و نه دوست داشت خود را از ما متفاوت و متمایز بداند. اما، به هر حال بسیاری افراد از قبل او را می‌شناختند و به استقبال وی می‌آمدند. ویژگی‌های شخصی، علمی و روحی شهید محراب

شهید حکیم از پیشگامان مبارزات حوزه علمیه نجف اشرف بود

آیت‌الله سیدمحمدباقر بسیار شگفت‌انگیز بود. از همه مهم‌تر توانمندی بی‌نظیر او برای برقرار ارتباط با همه جریانات فکری و گرایشات گوناگون، زبازد همگان شده‌بود، به طور مثال در مدت زمان ۲۵ ساله که در تبعید به سر برد، و زندگی خود را وقف جهاد کرد، طرح جامعی برای رهایی عراق ارائه داد. اکنون این طرح توسط دولتمردان عراق به مورد اجرا گذاشته‌شده‌است، اگر اختلالی در اوضاع سیاسی کنونی عراق دیده‌می‌شود، در حقیقت نتیجه نارسایی در اجرای این طرح است. در این طرح آمده‌است که نظام حاکم در عراق باید توسط مردم انتخاب شود. طرح شایسته‌سالاری و بهره‌گیری از استعدادها را ارائه داد، طرح خود مختاری و آزادی محدود استان‌ها را ارائه داد. طرح همکاری و همدلی میان گروه‌ها و طوایف و نژادهای گوناگون عراق را ارائه داد. در نهایت برای مدیریت عراق جدید طرح‌های جامع ارائه داد. با این وجود او یک فرد انقلابی به‌شمار می‌رفت، که برپایی حکومت اسلامی را ضروری می‌دانست. نظر به اینکه او فرزند مرجع تقلید شیعیان جهان آیت‌الله سیدمحسن حکیم بود و پدرش خط مشی اصلاح‌طلبانه را دنبال می‌کرد، و به آزادی عقیده و بیان مذاهب گوناگون اسلام ایمان داشت، ایده‌های نوین برای مدیریت و حکومت عراق ارائه داد، که در کشورهای عرب منطقه بی‌نظیر است.

*به نظر شما چشم‌اندازی که شهید حکیم در سایه مرجعیت متعهد برای آینده عراق می‌دید، چگونه بود؟

اصولاً مرجعیت شیعه در طول تاریخ به ویژه در عصر علامه حلی و در عصر خاندان آل‌بویه و علامه مفید که حکومت را در دست داشت، آزادی ابراز عقیده و بیان سایر مذاهب اسلامی را به رسمیت شناخت، در عصر حاضر همه اقوام و طوایف عراق این روش حکومت شیعی را پذیرفته‌اند، به طور مثال نظامی که پس از سقوط خلافت عباسیان در بغداد به دست مغولان حکومت کرد، نظام شیعی بود که علامه شیخ نصیرالدین طوسی پایه‌گذار آن بود، در سایه این حکومت مالیات لغو شد و عراق بازسازی شد. مورخان گواهی داده‌اند که علامه شیخ نصیرالدین طوسی، خاندان آل‌بویه را به حکومت نشانند. پس از خاندان آل‌بویه، ایلخانی‌ها قدرت را به دست گرفتند، و کشور عراق را بهتر از دوران خلافت عباسیان آباد کردند، به طوری که در دوران حکومت آل‌بویه و ایلخانی‌ها هیچ‌کس خواهان بازگرداندن عباسیان به قدرت نبود. چرا؟ برای اینکه نظام‌های شیعی که در قرن‌های گذشته در عراق حکومت کردند، آزادی عقیده همه اقشار و اقوام و طوایف را محترم شمرند.

آیت‌الله سیدمحمدباقر حکیم در سایه خط مرجعیت و در پرتو این اندیشه‌های پویا زندگی کرده‌است. مرجعیتی که می‌تواند دیدگاه‌ها و اندیشه‌های دیگران را بپذیرد، و عدالت اجتماعی را برای مردم به‌وجود بیاورد. او به رغم همه شرایط سخت و طاقت‌فرسا و حساسیت‌ها و شرایط بین‌المللی و اصرار صدام برای خاموش کردن چراغ مرجعیت دینی در عراق توانست خود را در دل‌ها و وجدان ملت عراق جای دهد و از خواسته‌ها و آرمان‌های آنان دفاع کند.

عبدالله

حجت الاسلام صادقی آرمان با اشاره به تألیف دانشنامه‌ای درباره شخصیت حضرت معصومه(س) اظهار کرد: در این جلسه تألیف اولین دانشنامه درباره حضرت معصومه(س) که شروع آن از دو سال قبل بود مورد بحث قرار گرفت و بعد از آن شاید بحث مرجعیت برخی کتب آشکار شود. وی با توجه به راه‌اندازی کتابخانه تخصصی گفت: راه‌اندازی کتابخانه تخصصی حضرت معصومه(س) شامل پایان‌نامه‌ها، مقالات و کتب مربوط به شخصیت حضرت فاطمه معصومه(س) از دیگر مواردی بود که در این نشست مورد بحث قرار گرفت و تا دو ماه دیگر از این کتابخانه رونمایی می‌شود که تنها مرجع آثار حضرت خواهد بود.

به عنوان برترین کتابها درباره کریمه اهل بیت(س) معرفی شدند.

وی با اشاره به علت انتخاب کتابهای برگزیده درباره شخصیت حضرت معصومه(س) اظهار کرد: پس از پیروزی انقلاب اسلامی کتابهایی درباره حضرت معصومه(س) تألیف شد که موضوعاتش درباره شرح زیارت، کرامات و محویرت داشتن حضرت معصومه(س) برای قم بود، اما پس از آن شاهد ارائه مطالب جدیدی که ابعاد شخصیتی حضرت معصومه(س) را معرفی کند، نبودیم. بنابراین در این جلسه دو موضوع مدنظر بود؛ اول اینکه باز هم نیاز به تألیف کتاب درباره حضرت داریم و دیگر اینکه کتبی را به عنوان مرجع معرفی کنیم.

انتقاد از ساخت‌وسازهای غیر اسلامی در جوار حرم امام رضا و حضرت معصومه

حجت الاسلام سمیعیان با تأکید بر ضرورت تقویت زیرساخت‌های شهرهای مقدس قم و مشهد گفت: الگوگیری مان از اهل بیت(ع) باید در همه زمینه‌ها باشد و این جای تأسف دارد که در جوار حرم امام رضا(ع) و حضرت معصومه(س) گاهی ساخت و سازهایی شده که با هیچ استاندارد اسلامی سازگار نیست و فضای معنوی این شهرهای مقدس را فقط به یک فضاهای سیاحتی و تفریحی تبدیل کرده است.

حجت الاسلام مصطفی سمیعیان، مدیر مدرسه علمیه امام علی بن موسی الرضا(ع) قم، در گفت و گو با خبرگزاری رسا وجود امام رضا(ع) و خواهر بزرگوارشان در ایران را مایه برکت و افتخار شیعیان ایران دانست و گفت: همان گونه که در طول تاریخ و در متن روایات ما مشهود است حضرت امام رضا(ع) به عالم آل حضرت محمد(ص) مشهور و ملقب هستند، از این رو وجود نازنین آن حضرت در کشور ما موجب یک انقلاب علمی و فرهنگی شد.

استاد حوزه علمیه قم انتشار معارف ناب اهل بیت(ع) در تمام ممالک را یکی از حرکت‌های بزرگ اما رضا(ع) دانست و افزود: زمان امامت آن حضرت و سفر ایشان به خراسان به واسطه آن مذاکرات و مناظرات علمی که ایشان با ادیان و فرق مختلف داشتند موجب شد تا نهضتی برای ترویج فرهنگ و تفکر شیعه ایجاد شود، کتاب‌هایی از زبان‌های مختلف ترجمه شد و به زبان‌های فارسی و عربی برگردانده و معارف ناب اهل بیت(ع) از زبان آن حضرت و توسط ایشان منتشر شد و به واسطه موقعیت ویژه‌ای که امام رضا(ع) داشتند شیعیان در اقصانقاط با یک آرامش خاطری به مباحث اهل بیت(ع) دامن زدند و همین باعث شد که فرهنگ ناب شیعه در آن زمان در سراسر ممالک تحت قلمرو حکومت وقت و حتی خارج از آن ممالک هم مطرح شود.

حجت الاسلام سمیعیان با تأکید بر تقویت زیر ساخت شهرهای قم و مشهد، اظهار داشت: چنانچه ما بخواهیم فکر و فرهنگ را براساس آنچه که امام رضا(ع) و حضرت معصومه(س) و اهل بیت نظرشان هست ارتقا دهیم، باید همه کارها حتی نقشه‌های شهرسازی و شهرداری مان و زیر ساخت‌های این دو شهر مذهبی به ویژه براساس معماری و مهندسی اسلامی و دستورات دینی طراحی بشود.

مدیر مدرسه علمیه امام علی بن موسی الرضا(ع) قم با اشاره به سخنان رهبر معظم انقلاب در جمع مسؤولان شهر قم مبنی بر لزوم رعایت همه شئونات اسلامی حتی در ساخت و سازها و فضای شهری گفت: به نظر می‌رسد مالگوگیری مان از اهل بیت(ع) باید در همه زمینه‌ها باشد و این جای تأسف دارد که در جوار حرم این دو بزرگوار گاهی ساخت و سازهایی شده که با هیچ استاندارد اسلامی سازگار نیست و فضای معنوی این شهرهای مقدس را فقط به یک فضاهای سیاحتی و تفریحی تبدیل کرده است.

وی در پاسخ به سؤالی مبنی بر اینکه موانع ترویج فرهنگ اهل بیت(ع) در کشور ما چیست، تصریح کرد: همیشه مانع برای سیر و تکامل وجود داشته و دارد، به عبارتی دشمنان برای انحطاط فرهنگ ناب اسلامی برنامه ریزی‌ها و بودجه‌های کلان‌تری را قرار داده‌اند، از طرفی در داخل باید دست اندرکاران، این مسائل را جدی بگیرند و دلسوزانه دست به دست هم بدهند و مراقب باشند تا با قرار گرفتن در مسائل جناحی، اصل مکتب، مذهب و فرهنگ را فدای این مسائل نکنند.

حضرت آیت الله صافی گلپایگانی:

صدا و سیما باید متعلق به همه مردم و جناح‌ها باشد

تمام برنامه‌هایش خواننده و بیان کرد: باید مراقب بود که صدا و سیما، اسلامی به تمام معنا باشد. خدا می‌داند در بدو تأسیس نظام اسلامی، هدف همه همین بود که این رسانه، تشکیلاتی باشد که همه‌اش دینی و انقلابی شود.

حضرت آیت الله صافی خطاب به رئیس رسانه ملی تأکید کرد: در تمام برنامه‌های این رسانه، باید اسلام دیده شود. الحمدلله شما که اکنون در صدر این کار قرار گرفته‌اید، مسلمان، متدین و بزرگوارید که باید همین مقصد را دنبال کنید.

در انتخاب کارشناسان دینی مراقبت نمایید

وی در قسمت دیگری از سخنان خود، انتخاب مسئولان متدین در قسمت‌های مختلف صدا و سیما را مهم برشمرد و گفت: افرادی را که در قسمت‌های مختلف این سازمان انتخاب می‌کنید، مراقب باشید اشخاصی باشند دارای سوابق خوب و تدین که اگر در انتخاب این عزیزان دقت شود، بسیاری از امور در آن بخش اصلاح می‌شود. کسانی را انتخاب کنید که هدفشان دین و ترویج اسلام باشد و نسبت به اهمیت این جایگاه، آگاهی داشته باشند.

این مفسر قرآن کریم در ادامه این دیدار، با اشاره به برنامه‌های کارشناسی صدا و سیما، اظهار داشت: در انتخاب وعاظ، سخنرانان و کارشناسان، دقت زیادی داشته باشید که دارای حُسن سابقه باشند و علما به آنها حسن ظن داشته باشند که اگر این طور شد، حرف و نصایح در مخاطبان آنها اثر خوب خواهد گذشت.

نگاه برون‌مرزی با اهداف اسلامی داشته باشید
وی در بخش دیگری از توصیه‌های خود، اهداف صدا و سیما، اسلامی را اهدافی بین‌المللی خواند

حضرت آیت الله مکارم شیرازی:

شهرستان‌ها در حال خالی شدن از علما است

حوزه‌های علمیه باشد.

وی گفت: نباید در کنار حوزه‌های علمیه دادگاه ویژه روحانیت باشد، چون از بنیان اخلاق نباید هیچ تخلفی سر بزند که نیاز به دادگاه باشد. وجود این دادگاه به دلیل وجود افراد نفوذی در حوزه‌ها است و باید برای حفظ حوزه و بالندگی آن کوشید.

حضرت آیت الله مکارم شیرازی بر لزوم حفظ سنت‌های اصیل حوزه تأکید کرد و افزود: حوزه‌های علمیه سنت‌هایی دارند و این سنت‌ها باید مورد توجه باشد. اخیراً مشاهده می‌شود که فرهنگ دانشگاهی در حال تسلط بر بخشی از فرهنگ حوزوی است که این رویه مناسب نیست.

وی با بیان اینکه حوزه‌های علمیه سنت‌هایی دارند که باید مورد توجه باشد، اظهار کرد: در دانشگاه مدرک‌گرایی مهم است اما در حوزه‌های علمیه این طور نیست و نباید باشد. حوزه علمیه باید علم را برای علم بخواهد و مدرک‌گرایی نباید در حوزه سلطه پیدا کند.

این مرجع تقلید با اشاره به استقلال حوزه‌های علمیه، اظهار کرد: سنت حوزه‌های علمیه، استقلال این نهاد بوده است، در حالی که تمام حوزه‌های اهل تسنن وابسته به دولت‌ها هستند.

وی با اشاره به نمونه‌هایی از وابستگی حوزه‌های علمیه اهل تسنن به دولت‌ها گفت: امروز ال‌زهر سابقه شکرگری دارد اما وابسته به دولت است و مقامات دولت، رئیس‌ال‌زهر و مقتیان آن را تعیین می‌کنند. تنها حوزه‌های علمیه شیعه است که مستقل عمل می‌کند و نباید این استقلال خدشه‌دار شود.

حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی تأکید کرد: هر گونه وابستگی به دولت و نفی استقلال حوزه‌های

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حضرت آیت الله لطف‌الله صافی گلپایگانی، عبدالعلی‌علی‌عسکری رئیس سازمان صدا و سیما و جمعی از معاونان وی با حضور در بیت آیت الله صافی گلپایگانی با این مرجع تقلید دیدار و گفت‌وگو کردند.

حضرت آیت الله صافی گلپایگانی در این دیدار با اشاره به سابقه رسانه ملی بعد از انقلاب، گفت: اینجانب از روز اول که صدا و سیما، نظام اسلامی تأسیس شد در جریان کار بودم و واقعا امیدوار بودیم و نظر داشتیم که به وسیله این رسانه، همه مطالب اصلاح می‌شود و همه عزیزی که آن روز در جریان کار بودند، آرزومند داشتیم ان‌شاءالله کیفیتی که با این رسانه پیش می‌آید، به خیر اسلام و دین و مملکت باشد.

وی افزود: الان هم همین انتظار و امید از شما و همکارانتان است که سعی و تلاش کنید در همان راه پیش بروید و به اهداف والای اسلامی در این رسانه جامه عمل بپوشانید و ان‌شاءالله با یت خیری که دارید در این راه موفق شوید.

صدا و سیما به تمام معنا اسلامی باشد

استاد برجسته حوزه در قسمت دیگری از توصیه‌های خود، اصلاح صدا و سیما را اصلاح جامعه خواند و گفت: مسئولیتی که شما بر عهده گرفته‌اید، مسئولیت بسیار بزرگ و خطیری است؛ مسئولیتی وسیع الاطراف با جوانب متعدد که با جای جای مملکت ما ارتباط دارد و اگر این نهاد اصلاح شود، همه کشور اصلاح می‌شود و چنانچه کوتاهی کنیم و آن طوری که مطلوب امام زمان(ع) است عمل نشود، جامعه فاسد می‌شود.

وی ضمن بر شمردن ویژگی‌های یک رسانه اسلامی، هدف اصلی صدا و سیما را اسلامی‌شدن

حضرت آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی در مراسم آغاز سال تحصیلی حوزه‌های علمیه که در مدرسه فیضیه برگزار شد اظهار کرد: امروز روز مبارکی برای جهان اسلام، مکتب اهل بیت و حوزه‌های علمیه است، چون دروس حوزه در سراسر کشور همزمان با سالروز ازدواج امام علی(ع) و حضرت فاطمه(س) آغاز شده است.

وی با اشاره به روایتی از امام‌های(ع)، خطاب به طلاب حوزه گفت: این حدیث پیام روشنی برای شما دارد که وظیفه شما تنها تحصیل نیست، دعوت به مکتب اهل بیت و دفاع و نجات ضعیفان از بمباران اعتقادی از وظایف طلاب مهم طلاب است. این مرجع تقلید، حوزه‌های علمیه را سرمایه‌های بزرگ جهان اسلام توصیف کرد و دفاع از عقاید و اخلاق مردم و احکام اسلام را از وظایف حوزه‌های علمیه برشمرد.

حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی حوزه‌های علمیه را عامل ایجاد و بقای انقلاب اسلامی دانست و تأکید کرد: دولت‌های اسلامی باید به حوزه علمیه اهمیت دهند، چون حوزه علمیه، خاستگاه و حافظ انقلاب اسلامی است.

به گفته این استاد برجسته حوزه، امام خمینی و رهبر انقلاب فرزند این حوزه‌ها هستند. بسیاری از مسئولان مهم نظام از این حوزه‌ها برخاسته‌اند، بنابراین اهمیت حوزه‌ها نباید بر کسی پوشیده باشد. وی حفظ حوزه علمیه را از مهم‌ترین وظایف حوزویان برشمرد و افزود: این کار از دوراه امکان‌پذیر است؛ اول تحصیل علم، تعمیق و گسترش مباحث علمی و ارتقای علم و دانش در حوزه‌های علمیه و دوم از طریق اخلاق. اخلاق حوزه‌ها باید حافظ



اشاره: کسی نیست که درباره سید جمال الدین اسدآبادی تحقیق کند و به نام سید هادی خسروشاهی برنخورد. او مصحح و منتشرکننده آثار سید بوده و در چندین دهه کلیه آثار مرتبط با او را در چند کشور جهان بررسی کرده است. خسروشاهی در این پرسش و پاسخ مکتب به حواشی هویتی، شاگردان، متأثرین و همچنین چرایی طرح ایده یک پارچه کردن ملل اسلامی توسط سید جمال پاسخ گفته. وی معتقد است از دوگانه روشنفکر - واپس گرا تعریف درستی در دست نیست اما با توجه به داشته ها و تحلیل آثار و اقدامات، سید روشنفکر بوده، نه واپس گرا.

ملیت سید جمال الدین را هم به ایران نسبت داده اند و هم به کشورهای دیگر، شما هویت و ملیت واقعی او را چه می‌دانید و اساساً ارزیابی تان از اتخاذ هویت‌های مختلف توسط این شخصیت چیست؟

این موضوع البته از دیدگاه خود سید جمال الدین حسینی، از اهمیت خاصی برخوردار نیست. سید در «خاطراتی» که مخرومی پاشا در اسلامبول از او تهیه و تنظیم کرده و در قاهره منتشر شده است، در جواب موضوع ملیت خود می‌گوید: این امر مهمی نیست. هر کسی در یک نقطه از جهان به دنیا می‌آید. شناخت دقیق اینکه کسی کی و کجا به دنیا آمده، اهمیت اثرگذاری در حل مشکلات جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند، ندارد... بدین ترتیب سید اصولاً به مسئله هویت و موطن اهمیتی نمی‌دهد و در همین راستا است که در پسوند امضاهای خود، در ذیل نامه‌ها - پس از کلمه «الحسینی» که تقریباً در همه نامه‌ها و مقالاتش به چشم می‌خورد - از پسوندیایی چون: رومی، اسدآبادی، کابلی، مصری، سعدآبادی، استانبولی و... استفاده می‌کند و این به خوبی نشان می‌دهد که او به دنبال «نام و نشان» ویژه نیست و موطن و هویت ملی او را، کل جهان تشکیل می‌دهد.

البته من شخصاً به دنبال بیش از نیم قرن تحقیق و تفحص در اغلب بلاد، معتقد هستم که بی تردید سید جمال الدین حسینی، ایرانی الاصل است و در منطقه اسدآباد همدان به دنیا آمده و بعد به همه بلاد سفر کرده و به هر کجا که رسیده، نام آن شهر یا کشور را به دنبال «الحسینی» آورده است.

مرحوم استاد «دانش پژوه» می‌گفت من در پترزبورگ - روسیه - در کتابخانه‌ای، نامه‌ای از سید دیدم که در آن پس از الحسینی، «الموسکوی» را به کار برده و تأسف می‌خورد که چرا کپی آن را برنداشته و برای من نیاورده است.

از سوی دیگر علاوه بر پاسپورت ایرانی سید، ارتباطات او با علمای شیعه در ایران و عراق - و عدم ارتباط مکتوب با رجال و علمای افغان - در جای جای آثار او، ایرانی و حتی شیعی بودن او را نشان می‌دهد...

در یکی از آثار سید به نام «تعلیقات» بر شرح عقاید عضدیه، که آن را در مصر تدریس می‌کرده، از لغات فارسی استفاده می‌کند. از این سینا و ملاصدرا نقل قول می‌کند و کلمات و اصطلاحاتی را به کار می‌برد که جز یک عالم ایرانی شیعی کسی نمی‌تواند از آن‌ها آگاه باشد...

از همه مهمتر و ارزشمندتر، اهداء کتاب شریف تفسیر صافی، به والد محترم خود سید صفدر در همدان است که با دستخط خود در نخستین صفحه کتاب، آن را ثبت و امضا کرده است. کپی این صفحه را مرحوم صفات الله جمالی، - نوه خواهری سید و فرزند میرزا لطف الله - برای من فرستاده بود و اصل نسخه - کتاب - هم اکنون در کتابخانه بزرگ آیت الله مرعشی نجفی در قم نگهداری می‌شود... و بی شک معقول نیست که یک عالم سنی افغانی

یک تفسیر شیعی - برای والد محترم، سید صفدر، با امضای «جمال الدین الحسینی» اهداء کند و بفرستد... و به هر حال از نظر من آنچه که مهم است، افکار و اندیشه‌ها، اقدامات و نتایج کار اوست، نه تولدش در این خطه از خاک کره زمین، یا چند صد کیلومتر، آن طرف تر!...

و البته اتخاذ هویت‌های مختلف از طرف سید، در واقع یک نوع تاکتیک سازنده در پیش برد اهداف است... او خود را نخواست به بلاد خاص منتسب نماید و از کارهای اساسی و تأثیرگذاری در میان مردم دیگر، باز بماند...

عدم تظاهر به مذهب تشیع نیز از همین جا سرچشمه می‌گیرد چون او به خوبی می‌دانست که اگر جاهلان و متعصبان بعضی بلاد از حقیقت مذهب او آگاه شوند، به او اجازه فعالیت و تبلیغ و تدریس در کشور خود نخواهند داد...

او در پاسخ اینکه از چه مذهبی پیروی می‌کند، به آیات قرآن اشاره می‌کرد: حنیفاً مسلماً!... و ما أنا من المشرکین.

درباره اندیشه سید جمال در دوران معاصر گفت و گوهایی زیادی در گرفته است. شما اندیشه سید جمال را در دوران جدید تا چه میزان مفید، قابل ارجاع و زمان‌مند می‌دانید و چرا؟

تأثیر نشر اندیشه‌های سید، در زمینه‌های مختلف، منحصر به دوران محدود و خاصی نیست. اندیشه‌های سید در دوران معاصر، همان تأثیری را می‌تواند داشته باشد که در دوره حیات او داشت و البته در تبیین و توجیه آن اندیشه‌ها، اهل تحقیق و پژوهش، صاحبان علم و فرهنگ، باید نوآوری‌های زمانی را در نظر بگیرند و مطابق خواست «زمان و مکان» به نشر آن بپردازند تا بتواند تأثیرگذاری بیشتری داشته باشد.

اصولاً «اندیشه» هیچ وقت در «زمان» یا «مکان» محدود و متوقف نمی‌شود. همواره می‌توان از اندیشه‌های سازنده در همه جا، بهره‌مند شد. تبعیت از «احسن القول»، پس از استماع آن، خصوصیت خلاقانه‌ای در هر زمان و هر مکان می‌تواند داشته باشد، و فقط باید در تبیین آن، شرایط را در نظر گرفت و مطابق خواست و درک و فهم مردم، آن را نشر دارد.

درباره شاگردان مستقیم و غیرمستقیم سید نقطه نظرات متفاوتی وجود دارد، با توجه به اشراف جنابعالی، چه افرادی را چه در دوران گذشته و چه در دوران معاصر، شاگردان خلف سید جمال می‌دانید؟

البته شمارش دقیق تعداد شاگردان سید در بلاد مختلف به علت کمبود منابع رسمی در این زمینه، مقدور نیست ولی از اشاره به اسامی بعضی از این تلامذ در کشورهایی نظیر: مصر، شبه قاره هند، ترکیه عثمانی و ایران، می‌توان به رقم بالایی رسید که سید در طول سی سال مبارزه و تعلیم، توانسته آنها را در مکتب خود جای دهد.

بعضی از آنها شاگردان مستقیم سید هستند و بعضی‌ها را با یک واسطه می‌توان از شاگردان سید به شمار آورد.

مثلاً در مصر شاگردان - و هوادارانی - چون: محمد عبده، فتحی زغلول، ابراهیم لقانی، ادیب اسحق، ابراهیم هلباوی، سلیم عنجوری، محمد مویلر، عبدالقادر مغربی، عباس حلمی و صنوع (ابونظاره) و... سپس شیخ رشید رضا و عبدالرحمن کواکبی و شهید شیخ حسن البنا، راه او را ادامه دادند و حتی شهید حسن البنا در خاطرات خود - مذكرة الدعوة والدعاة - چاپ قاهره، می‌نویسد راه اخوان المسلمین، در واقع استمرار بخشیدن به راه جمال الدین افغانی و محمد عبده است.

در شبه قاره هند کسانی چون: محمدعلی جناح، محمدعلی شوکت، ابوالکلام آزاد، سید ابوالاعلی

استاد خسروشاهی در گفتگو با مهرنامه:

ملیت برای سید جمال مهم نبود

مودودی، دکتر محمد اقبال لاهوری تحت تأثیر افکار و اندیشه‌های سید بودند.

در ترکیه کسانی چون محمد عاکف، محمد امین (شاعر ملی) محمد نامق بک و محمد عبدالحق و حلیم پاشا و شیخ علی کاشف الغطا، محمد مخرومی پاشا، امیر شکیب ارسلان، شیخ رئیس قاجار، میرزا حسین شریف کاشانی، حسین دانش اصفهانی، آقا خان کرمانی، احمد رضا و... در همین خط بودند و در ایران هم سید شاگردان و دوستان و علاقمندان بسیاری در بین محافل ملی - مذهبی و علمی معروف بلاد داشت که قاعدتاً نام آنها آشنا است... اینها همه راه سید را ادامه دادند و پس از سید، به نتایج مثبتی در هر کشوری رسیدند.

البته تعیین نقش شاگردان مستقیم و یا کسانی که به عنوان «شاگرد مع الواسطه» محسوب می‌شوند، کار آسانی نیست و باید عملکرد تک تک افراد و نوع اقدام آن‌ها در بلاد مختلف مورد بررسی و تحقیق و ارزیابی قرار گیرد تا بتوان داوری صحیحی انجام داد...

تعیین شاگردان خلف - صالح - سید هم کار آسانی نیست به اضافه اینکه اسامی شاگردان خلف، در همه بلاد، در اختیار نیست و شاید بسیاری از آنها، به دلائلی از مطرح شدن در سطح عموم و فعالیت علنی دور بوده اند...

یک تلمیذ و خلف صالح سید در شبه قاره هند دکتر محمد اقبال لاهوری است که اندیشه‌های سید در روحیه او نقش سازنده‌ای داشت و اشعار او در واقع تجلی‌گاه اندیشه‌های سید است. آثار تلمذ محمد اقبال لاهوری در مکتب سید، در اغلب اشعار او هویدا است. از جمله او در یک سیر عرفانی در «فلک عطار» دیدار با روح سید جمال الدین و سعید حلیم پاشا را به تصویر می‌کشد و در قصیده‌ای طولانی، چگونگی آن را شرح می‌دهد و نخست در مورد زائران این مقام می‌گوید:

زائران این مقام ارجمند
پاک مردان از مقامات بلند
پاک مردان چون فضیل و بوسعید
عارفان مثل جنید و بایزید
و سپس شرح نماز خود را در این «سفر معنوی» می‌دهد که من فقط چند بیت از آن را نقل می‌کنم:
خیز تا ما را نماز آید به دست
یک دو دم سوز و گداز آید به دست
رفتم و دیدم دو مرد اندر قیام
مقتدی تاتار و افغانی امام

پیر رومی هر زمان اندر حضور
طلعتش برتافت از ذوق و سرور
گفت مشرق زین دو کس بهتر نژاد
ناخن شان عقده‌های ما گشاد
سید السادات مولانا «جمال»
زنده از گفتار او سنگ و سفال
ترک سالار آن «حلیم» دردمند

فکر او مثل مقام او بلند
با چنین مردان دو رکعت طاعت است
ورنه آن کاری که مزدش جنت است
و قصیده را اینچنین به پایان می‌برد:
من ز جا برخاستم بعد از نماز
دست او بوسیدم از راه نیاز

گفت رومی ذره‌ی گردون نور
در دل او یک جهان سوز و درد
چشم جز بر خویشتن نگشاده‌ای
دل به کس ناداده‌ای آزاده‌ای
تند سر اندر فراخای وجود

من ز شوخی گویم او را «زنده رود»
تاکنون درباره تأثیر سید جمال بر متفکرین صحبت بسیار شده است. اما بُعد دیگر تأثیرگذاری او بر جنبش‌های اجتماعی بوده که حتی رد آنان را تا تحولات امروز

هم می‌توان یافت. سید جمال تأثیری بر جنبش‌های سیاسی - اجتماعی گذاشت؟

بی تردید سید جمال الدین نقش بسیار تأثیرگذاری در میان اندیشمندان و دانشمندان عصر خود داشت... او در همه جا، و هر منطقه‌ای که سفر کرد، طبق اعتراف دوست و دشمن، افکار عمومی را بیدار ساخت، متفکران را به حرکت درآورد و در واقع عامل اصلی جنبش‌های اجتماعی شد. ما به طور وضوح، در آثار و مکتوبات شخصیت‌های برجسته سیاسی و اجتماعی یک قرن اخیر رد آثار فکری سید را می‌بینیم و خود آنان نیز اقرار دارند که راه آنها استمرار راه سید جمال الدین - در همه زمینه‌ها - است.

در جنبش‌های آزادی بخش، به قول مرحوم استاد سید محمد محیط طباطبایی، شاگردان سید و یا پیروان اندیشه‌های او رهبری حرکت را به عهده داشته اند و هر پرچمی که برای تحول در جامعه‌ای برافراشته شده، پرچمداران آن یکی از شاگردان سید جمال بوده است و شهید مرتضی مطهری او را سرسلسله جنبان نهضت‌های اصلاحی معاصر می‌داند و نهضت او را جامع در زمینه‌های فکری - اجتماعی می‌خواند که همراه با ارائه طریق برای تداوم اصلاحات است... استاد محیط طباطبایی در این رابطه می‌نویسد:

«... پس از سی سال کوشش، در زندان طلایی عبدالحمید محبوس و معدوم شد، ولی تخم‌های کاشته او در ایران و عثمانی و مصر و هند و افغانستان جوانه زد و ده سال بعد از مرگ او در وطن او ایران، نهضت مشروطه آغاز و انجام پذیرفت و چند سال بعد از آن دست پروردگان او در اسلامبول دست به کار شدند و کسانی که در حیات او از عهده تطبیق نظریات سیاسی او در مصر و هند برنیامدند و مغلوب و منکوب و محبوس شدند، در حزب کنگره هند و حزب وفد مصر بنیان‌گذار حکومت ملی آزاد گشتند. سید جمال الدیندر تاریخ ایران عامل ظهور تحولی شد و ملت ما را به راهی رهبری کرد که پس از آن در پیچ و خم‌های آن راه به سوی زندگانی افضل گام برمی‌دارد و هر روزی انتظار دارد که به صورتی بهتر و حالتی برتر درآید.

من چهره سیدجمال الدین اسدآبادی را برگزیده ام زیرا عکس چهره او را در قانون اساسی و مطبوعات و فرهنگ جدید و همه تشکیلات اساسی حکومت مشروطه وطن خود می‌نگرم و عقیده دارم خدمتی که او به ایران کرد، از نظر ارزش بالاتر از خدمتی بود که نادر و اردشیر و یعقوب لیث و شاه اسماعیل به تاریخ ایران کرده‌اند و در ردیف خدمت هوخشتره مادی و آرشاک پرتوی محسوب می‌شود». (مراجعة کنید به چاپ جدید کتاب «نقش سید جمال الدین در بیداری مشرق زمین» از استاد محیط، صفحه ۹۱ - ۹۲)

تأکید سید بر اتحاد ملت‌ها از جمله بخش‌های پرمنافشه اندیشه وی است. او با طرح اتحاد ملت‌های اسلامی چه هدفی را در ذهن می‌پروراند؟ اساساً تأکید بر استقلال از طرفی و صحبت از یکپارچه کردن ملل اسلامی چگونه امتزاج پذیرند؟

اتحاد ملت‌ها - یعنی ملت‌های اسلامی - می‌تواند پایه و اساس شکوفایی امت و سرزمین‌های اسلامی گردد و آثار و برکات آن به بلاد غیراسلامی هم تسری پیدا کند. وحدت، در اندیشه سید، برای تکامل ملت‌ها است و استقلال هر بلدی، در مرحله نخست، ضامن اصلی استقرار و یکپارچه شدن ملل اسلامی تواند بود. استقلال تضادی با وحدت ندارد بلکه مکمل و نگهدارنده آنست. کشوری که مستقل نباشد، نمی‌تواند پویا و مانا باشد و پس از دست یافتن به استقلال، وحدت آن با دیگر بلاد مستقل، می‌تواند بلوک واحد مستقل تسلیم ناپذیری در قبال دشمنان و استکبار جهانی تشکیل دهد.

در واقع «استقلال» و «اتحاد» لازم و ملزوم

یکدیگرند و در صورت فقدان یک پایه، نتیجه‌ای به نفع ملت‌ها و توده‌ها به دست نخواهد آمد.

این نکته را یکی از شاگردان مکتب سید، یعنی دکتر محمد اقبال لاهوری باز در قصیده‌ای به شکل زیبایی ترسیم نموده است که من فقط ابیاتی از آن را نقل می‌کنم که گویی از زبان خود سید است:

ملت از یک رنگی دل‌هاستی

روشن از یک جلوه این سیناستی

اهل حق را حجت و دعوا یکیست

خیمه‌ها از هم جدا دل‌ها یکیست

از حجاز و چین و ایرانیم ما

شب‌نم یک صبح خندانیم ما

کثرت هر مدعی وحدت شود

پخته چون وحدت شود ملت شود

لاله سرمایهٔ اسرار ما

رشته اش شیرازهٔ افکار ما

قوم را اندیشه‌ها باید یکی

در ضمیرش مدعی باید یکی

جذبه باید در سرشت او یکی

هم عیار خوب و زشت او یکی

ما مسلمانیم و اولاد خلیل (ع)

از آبیکم گیر اگر خواهی دلیل

با وطن وابسته تقدیر امم

بر نسب بنیاد تعمیر امم

اصل ملت در وطن دیدن که چه

باد و آب و گل پرستیدن که چه

بر نسب نازان شدن نادانی است

حکم او اندر تن و تن فانی است

ملت ما را اساس دیگر است

حکم او اندر دل ما مضمَر است

حاضریم و دل به غایت بسته ایم

پس زند این و آن وارسته ایم

ما ز نعمت‌های او اخوان شدیم

یک زبان یک دل و یک جان شدیم

جمله‌ای از سید جمال نقل است که می‌گوید: بنا به خصائص اجتماع و عالم انسانی

فرد بدون زور و قدرت در کشور متمدن و بافرهنگ نمی‌تواند در جامعه حکومت کند. این عبارت به چه منظوری است؟ در نگاه نخست بوی حکومت خفقانی و بسته استشمام می‌شود؟ حکومت مورد نظر وی چه ابعدی داشته است؟

جمله منسوب به سید به این معنی است که در جوامع بشری، به خاطر خصلت‌های طبیعی انسان، فساد و طغیان حاکم است، هر فرد صالحی هم که در رأس امور قرار گیرد، بدون قدرت و نفوذ معنوی یا مادی، نمی‌تواند در اجرای قانون و اصلاح جامعه موفق باشد. در واقع اداره امور بدون قدرت لازم، در هر کشوری، همراه با سقوط حاکم آن خواهد بود و این قدرت و خلاقیت است که می‌تواند کشوری با فرهنگ و تمدن را در راه پیشرفت، یاری کند و گرنه با سستی و کاهلی و عدم اعمال قدرت در اداره امور، نمی‌توان در انتظار جامعه‌ای متمدن و با فرهنگ ماندگار بود.

متأسفانه برداشت‌های امروزی از اعمال قدرت و نفوذ، به مفهوم ایجاد خفقان نظامی بسته تلقی می‌شود در حالیکه منظور سید، داشتن قدرت برای پیشبرد اهداف است. حکومت مورد نظر سید، «حکومت قانون» است و او باور داشت که همه ابعاد زندگی انسانی، در یک جامعه سالم باید با اشراف و اعمال قانون تنظیم گردد... همه آثار سید شاهد صدق این ادعا است... او با سلطهٔ دیکتاتوری شاهان و حاکمان، چه در مصر خدیوی و چه در ایران شاهی و چه در عثمانی خلافتی و چه در جاهای دیگر، همواره مبارزه آشتی ناپذیری داشته و به همین دلیل، همواره در فشار و تعقیب و تبعید و آوارگی به سر برد، ولی دست از هدف و برنامه خود: اعمال قانون، برای سعادت جامعه و قطع دست دزدان از تعرض به جان و مال مردم، برنداشت.

مبارزه مستمر سید با استبداد حکام بلاد اسلامی، همراه با مبارزه با استعمار، به خوبی نشان می‌دهد که سید هرگز طرفدار حکومت زور و حاکمیت یک دیکتاتور بر کشوری نبوده، بلکه آنچه که مورد توجه

او بوده، همان توان و قدرت اداری در فرد زمامدار بود. **با مطالعه و غور در آثار سید، می‌توان او را روشنفکر دانست یا باید او را فردی در میانه افکار روشنفکرانه و واپسگرایانه بدانیم؟ بعضی‌ها سید را روشنفکر نمی‌دانند؟**

از دوران مشروطیت - و یا حتی قبل از آن - دو کلمه «منور الفکر» و «مرتجع» در مورد بعضی از افراد به کار برده می‌شد بدون آنکه مفهوم واقعی این دو کلمه تبیین شده باشد. و اکنون نیز که آن دو کلمه به «روشنفکر» و «واپس‌گرا» تبدیل شده است! باز هم هنوز تعریف جامع و مانعی از این دو کلمه به عمل نیامده است.

برخی می‌گویند روشنفکر کسی است که با وضع موجود جامعه مخالف باشد و در تغییر آن بکوشد و واپسگرا کسی است که به گذشته سنتی، در هر چیزی، همچنان وصل است و حاضر به تغییر و دگرگونی نیست. بعضی‌ها یک «نقزن» سیاسی را «روشنفکر» می‌نامند و یک فرد غیر فعال و آرام را آدمی واپسگرا می‌دانند... و یا کسی را روشنفکر می‌خوانند که چند تا کتاب خوانده باشد و الفاظ قلمبه و سلمبه‌ای را در بین حرف‌های خود به کار ببرد و واپسگرا کسی است که چنین نباشد و...

متأسفانه اخیراً کتابی را دیدم که از احمد کسروی به عنوان یک «مصلح و روشنفکر» نام برده و از او تعریف و تمجید کرده است در حالیکه عملکرد کسروی به خوبی نشان می‌دهد که او نه مصلح بود و نه روشنفکر، او با همهٔ ارزش‌های ملتی دشمنی ورزید و دین و آئین مردم را طرد کرد، زبان و فرهنگ رایج مردم را به سخره گرفت و در این مسیر غیراصلاحی تا آنجا پیش رفت که روشی به نام «پاکدینی» اختراع نمود و مردم مسلمان را به پیروی از آن دعوت کرد! و در تکامل مرحله روشنفکری! خود علاوه بر کتب و ادعیه مذهبی، حتی دیوان حافظ و مولوی و سعدی و خیام و... را در موسم مسخره‌ای به نام «جشن کتابسوزان!» به آتش کشید تا در قیافهٔ یک روشنفکر تجددخواه تمام عیار مطرح شود!.

مسئولیت ما در قبال مکتب امام صادق علیه السلام

سرانجام در سال ۱۳۲ به پیروزی رسید. بنی امّیه در این مدّت، گرفتار مشکلات سیاسی فراوان بودند، لذا فرصت فشار و اختناق نسبت به شیعیان را نداشتند. عبّاسیان نیز چون از دستیابی به قدرت در پوشش شعار طرفداری از خاندان پیامبر و گرفتن انتقام خون آنان عمل میکردند، فشاری از طرف آنان مطرح نبود. از اینرو، این دوران، دوران آرامش و آزادی نسبی امام صادق(ع) و شیعیان بود و آن حضرت از این فرصت استفاده کرده و تلاش فرهنگی وسیعی را آغاز کرد. او آن قدر فقه و دانش اهل بیت را گسترش داد و زمینه ترویج احکام و بسط کلام شیعی را فراهم ساخت که مذهب شیعه به نام او به عنوان مذهب جعفری شهرت یافت.

امام صادق(ع) با تمام جریان های فکری و عقیدتی آن روز برخورد کرده و موضوع اسلام و تشّیع را در برابر آنها روشن ساخته و برتری بینش اسلام شیعی را ثابت کرده است.امام صادق(ع) هر یک از شاگردان خود را در رشته ای که با ذوق و قریحه او سازگار بود، تشویق و تعلیم می نمود و در نتیجه، هر کدام از آنها در یک یا دو رشته از علوم مانند: حدیث، تفسیر، فقه و کلام، تخصص پیدا می کردند.

هشام بن سالم می گوید: روزی با گروهی از یاران امام صادق(ع) در محضر آن حضرت نشسته بودیم. مردی شامی اجازه ورود خواست و پس از کسب اجازه، وارد مجلس شد.امام فرمود: بنشین. آن گاه پرسید: چه می خواهی؟ مرد شامی گفت: شنیده ام شما به تمام سؤالات و مشکلات مردم پاسخ می گوید، آمده ام با شما بحث و مناظره کنم!امام فرمود: در چه موضوعی؟ شامی گفت: درباره کیفیت قرائت قرآن.

امام رو به حرمان کرده فرمود: حرمان! جواب این شخص با توست.مرد شامی گفت: من میخواهم با شما بحث کنم، نه با حرمان!امام فرمود: اگر حرمان را محکوم کردی، مرا محکوم کرده ای !مرد شامی ناگزیر

سیاسی - اجتماعی - فرهنگی

بشش	شماره ۱۱
۵	شماره مسلسل ۱۵۲۹
نظرها و اندیشه‌ها	نیمه اول شهریور ۱۳۹۵
پست الکترونیکی:	besatonline@gmail.com

به هر حال: سید بی تردید تحت هیچ یک از این عناوین قرار نمی‌گیرد، اما او در زندگی و مبارزه خود با احترام و حفظ اصول صحیح و سنت‌های اصیل همواره در تغییر اوضاع اجتماعی و سیاسی می‌کوشید و خواستار تحکیم پایه‌های آزادی برای همهٔ انسان‌ها بود و با سنت‌ها و عقاید منطقی مردم و جامعه نمی‌جنگید و با خواستار شدن اجرای قانون، در تغییر و تکامل جامعه می‌کوشید و از همهٔ ابزارهای فرهنگی، سخنرانی، مذاکره، مباحثه نشر مجله و روزنامه و نوشتن مقاله، رساله و کتاب بهره می‌گرفت و در بیدارسازی و آگاهی بخشی عمومی فعال بود و البته آشنایی کامل با فلسفه و علوم روز، علاوه بر علوم قدیم، همراه او بود و تحول جامعه را در توسعه فرهنگ و دانش می‌دانست و خود به این روش پای بند بود. پس اگر روشنفکر به این مفهوم باشد، بی تردید سید جمال الدین یک روشنفکر نواندیش واقعی بود که خواستار اجرای قانون برای ایجاد تحول ریشه‌ای در جامعه و در میان همه ملت‌ها بود.

اصولاً و به نظر من در این مسئله نخست، به دست آوردن معنی و مفهوم و تعریف روشنفکر است که متأسفانه همانطور که اشاره کردم تاکنون تعریف جامع و مانعی از آن - و از واپسگرا - به عمل نیامده است... و به همین سبب هر کسی را که ادعای روشنفکری نمود، نمی‌توان روشنفکر نامید و هر دگراندیشی را که با ما مخالف بود، نباید «واپسگرا» خواند. و البته سید هم هرگز در حال حیات، در بند الفاظ و القاب و عناوین نبود و در حال ممات! هم اگر بعضی‌ها او را «روشنفکر» ننامند و ندانند، اهمیتی نخواهد داشت.

منبع: ماهنامه مهر نامه / شماره ۴۸ / مرداد ۹۵

--

با حرمان وارد بحث شد، هر چه شامی پرسید، پاسخ قاطع و مستدلی از حرمان شنید، به‌طوری که سرانجام از ادامه بحث فرو ماند و سخت ناراحت و خسته شد!

امام فرمود: حرمان را چگونه دیدی؟ مرد شامی گفت: راستی حرمان خیلی زبردست است، هر چه پرسیدم به نحو شایسته ای پاسخ داد! آن گاه مرد شامی گفت: می خواهم درباره لغت و ادبیّات عرب با شما بحث کنم. امام رو به ابان بن تغلب کرد و فرمود: با او مناظره کن. ابان نیز راه هرگونه گریز را به روی او بست و وی را محکوم ساخت. مرد شامی گفت: می خواهم درباره فقه با شما مناظره کنم!امام به زراة فرمود: با او مناظره کن.

ززاره هم با او به بحث پرداخت و به سرعت او را به بن بست کشاند! شامی گفت: می خواهم درباره کلام با شما مناظره کنم! امام به مؤمن الطاق دستور داد با او به مناظره بپردازد. طولی نکشید که شامی از مؤمن الطاق نیز شکست خورد! به همین ترتیب وقتی که شامی درخواست مناظره درباره استطاعت برانجام خیر و شرّ، توحید و امامت نمود، امام به ترتیب به حمزه طیار، هشام بن سالم و هشام بن حکم دستور داد با وی به مناظره بپردازند و هر سه با دلائل قاطع و منطق کوبنده، شامی را محکوم ساختند. با مشاهده این صحنه هیجان انگیز، از خوشحالی، خنده ای بر لبان امام نقش بست.

امروز در عرصه جهان و در مقابل سیل شبهات و هجمه های فکری صهیونیسم و وهابيون و بهابیت و فرق و مذاهب ضد شیعه و در مقابل الحاد غرب و عقاید منحرف گروه های درونی و افراط و تکفیر آنان، داشته های ما چه میزان است و از آنها چقدر بهره می بریم؟ و صدای تشیع و پیام امام صادق (ع) را در هیاهوی رسانه های امروزی چه قدر به گوش مردم جهان رسانده ایم.

روزنامه گاردین با استناد به گزارش شورای روابط اسلام و آمریکا (CAIR) و دانشگاه برکلی کالیفرنیا نوشت: ۷۴ گروه با هزینه کردن ۲۰۶ میلیون دلار به «اسلام هراسی» و «ایجاد نفرت از مسلمانان» در آمریکا کمک کرده اند.

به گزارش ایرنا، گاردین افزود: این گزارش که محصول مشترک شورای روابط اسلام و آمریکا و مرکز نژاد و جنسیت دانشگاه برکلی کالیفرنیا است، از ۷۴ گروه که به نحوی به اسلام هراسی در آمریکا کمک کرده اند، نام می برد که هدف اصلی ۳۳ گروه از آنها «ترویج تعصب ورزی یا نفرت از اسلام و مسلمانان است».

بر اساس این گزارش، گروه های اصلی شامل صندوق انتزاع (Abstraction Fund)، پروژه کلاریون (Clarion Project)، مرکز آزادی دیویدهورویتز (David Horowitz Freedom Center)، مرکز قانون و آزادی آمریکا، مرکز سیاست امنیتی، پروژه تحقیقی تروریسم، دیده بان جهان (Jihadwatch) و گروه «برای آمریکا» است که بین سالهای ۲۰۰۸ و ۲۰۱۳ میلادی تقریباً ۲۰۶ میلیون دلار صرف اسلام هراسی کرده اند.

سیلور، نویسنده این گزارش و مدیر اداره نظارت و مبارزه با اسلام هراسی شورای روابط اسلام و آمریکا در این زمینه گفت: نفرتی که این گروه ها برای آن هزینه و تحریک می کنند تبعاتی واقعی همچون حمله به مساجد سراسر کشور و قوانین جدید تبعیض آمیز علیه مسلمانان در آمریکا دارد.

استاد فقه مقارن دانشگاه الازهر خبر داد؛

تأسیس مؤسسه تقریبی در مصر و جلوگیری از انتشار افکار تکفیری



خبرگزاری تقریب(تنا):دکتر احمد کریمه، استاد فقه مقارن دانشگاه الازهر، در گفتگو با سایت اینترنتی البدیل، از طرح جدید خود در راستای تقریب بین مذاهب اسلامی خبر داد.

متن این مصاحبه به شرح زیر است:

*** چرا طرح تقریب بین مذاهب را راه اندازی کردید؟**

این طرح تقریبی را به دلیل جنگ های موجود در منطقه خاورمیانه راه اندازی کردم زیرا همه ما رخدادهای سوریه و تخریب این کشور در اثر درگیری های سیاسی را شاهدیم و می بینیم کشورهایی که نمی دانند اسلام دین انسانیت و همزیستی مسالمت آمیز است، این درگیری ها را به راه انداخته اند. این اختلافات همان چیزی است که مصر از آن هراس دارد و وهابیون سعی دارند با همه توان خود میان مسلمانان و مسیحیان تفرقه ایجاد کنند و حتی به مرحله ای از غلو رسیده اند که شیعیان را تکفیر می کنند بدون اینکه به حدیث شریف پیامبر(ص) اهمیتی دهند که فرمود: «هرکس مؤمنی را تکفیر کند، خودش به این کفر دچار می شود.»

*** طرح شما برای تقریب بین مذاهب چیست؟**

در ابتدا با کمک برخی دوستان مؤسسه تقریب مذاهب اسلامی به نام «اُخاء» (برادری) را تأسیس کردم و در این مؤسسه قرار است فعالیت های تقریبی میان اهل سنت، شیعه و اباضی و همچنین آشنایی مردم با اینکه مسیحیان نیز در این کشور سهیم هستند و نباید جزیه بپردازند، انجام می شود. در این مؤسسه همچنین درباره فتواهای نادر مانند جایز نبودن تبریک عید مسیحیان نیز توضیح داده می شود و در آینده نیز نشست ها و کنفرانس هایی برای آشنایی مردم با دین اسلام، با مشارکت علمای الازهر برگزار خواهیم کرد و به زودی کتاب های تقریبی نیز به چاپ خواهند رسید. همچنین کنفرانس تقریب مذاهب اسلامی را در آینده برگزار خواهیم کرد.

*** چه کسی برای این مؤسسه سرمایه گذاری می کند؟**

وی افزود: مرکز سیاست امنیتی مستقر در واشنگتن و گروه «برای آمریکا» بیشترین تاثیر را داشته اند زیرا تلاش می کنند لفاظی های خود را علیه مسلمانان گسترش دهند.

دو گروه مرکز سیاست امنیتی و مرکز آزادی دیوید هورویتز، جوایزی را به «جف سشنز» سناتور آمریکایی از ایالات آلاباما و رئیس کمیته مشاوه امنیت ملی «دونالد ترامپ» اعطا کرده اند.

پایگاه اینترنتی مرکز آزادی دیوید هورویتز با اشاره به حادثه تیراندازی باشگاهی شبانه در اورلاندو که توسط «عمر متین» آمریکایی مسلمان از ایالات فلوریدا انجام شد، عنوان «یک مسلمان ۴۹ نفر را در اورلاندو به کشتن داد» را به عنوان تیتراژ اصلی خود انتخاب کرد.

این گزارش خاطرنشان کرد که دو نفر دیگر از مشاوران سیاسی دونالد ترامپ نامزد جمهوری خواه انتخابات ریاست جمهوری آمریکا با گروه های فهرست شده در گزارش شورای روابط اسلام و آمریکا و دانشگاه برکلی کالیفرنیا ارتباط داشته اند. مرکز سیاست امنیتی از افرادی همچون «ژوزف شومیتز» به عنوان کارشناس ارشد و «ولید فارس» که گفته می شود برای گروه «برای آمریکا» فعالیت می کند، نام برده است.

گاردین نوشت، در تماس با «برجیت گابریل» موسس گروه «برای آمریکا» و مرکز سیاست امنیتی به ریاست «فرانک گافنی» پاسخی دریافت نکرده است. گافنی مشاور امنیت ملی «تد کرو» سناتور ایالت تگزاس در جریان تبلیغات انتخابات ریاست

گاردین:

۲۰۶ میلیون دلار صرف اسلام هراسی و ترویج نفرت از مسلمانان آمریکا شده است

تارنمای شبکه خبری ان.اچ. کی ژاپن نیز خبر داد که بر اساس جدیدترین گزارش شورای روابط اسلام و آمریکا، موارد مزاحمت و هتک حرمت مساجد آمریکا در سال ۲۰۱۵ نسبت به سال قبل نزدیک به چهار برابر افزایش یافت.

بر اساس گزارش این شبکه خبری، این آمار از سال ۲۰۰۹ که موارد تعدی به مساجد ثبت می شود، سابقه نداشته و حدود چهار برابر آمار سال ۲۰۱۴ است که تنها ۲۰ فقره مزاحمت و هتک حرمت مساجد ثبت شده بود.

مسئولان شورای روابط اسلام و آمریکا در گفت و گو با خبرنگاران با اشاره به «تبلیغات اسلام ستیزانه» دونالد ترامپ، خبر دادند که پس از کشتار اورلاندو، درگیری با مسلمانان و توهین به آنها نیز گزارش شده است.

این شورا همچنین نگرانی شدید خود را نسبت به جهت گیری کشور آمریکا ابراز کرد و از آمریکایی ها خواست هر گونه تنفر و تندروی را رد کنند.

پس از حمله تروریستی یکی از هواداران آمریکایی داعش به باشگاه شبانه ای در اورلاندو، ۴۹ نفر کشته و ۵۳ نفر مجروح شدند. فرد تیرانداز نیز در پی حمله پلیس کشته شد. در پی این حادثه، دونالد ترامپ نامزد غیر رسمی جمهوریخواهان در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا ضمن پافشاری بر پیشنهاد سابق خود در مورد ممنوعیت موقتی ورود مسلمانان به آمریکا از دولت این کشور خواست تا نظارت بیشتری بر مساجد اعمال کند و مشخصات تک تک اتباع مسلمان را ثبت کند.

در پیگیری مسأله ربوده شدن «امام موسی صدر»

کوتاهی کرده ایم

ادامه از صفحه اول

تا ۵ روز از ایشان خبری در دسترس نبود و پس از این مدت وی با معمر قذافی در هتلی دیدار و بحث و تبادل نظر کردند. امام موسی صدر در ۲ مسأله با قذافی اختلاف داشت: قذافی در وهله نخست از امام موسی صدر خواست که قرآن را کنار بگذارد و کتاب وی را ببذیرد که با مخالفت قاطع امام موسی صدر مواجه شد. قذافی همچنین از امام موسی صدر درخواست کرد که تغییراتی سیاسی را در لبنان مطرح کند که منجر به تضعیف لبنان می شد اما با پاسخ منفی ایشان روبرو شد. پس از آن نیز ایشان ناپدید شد.

*** اخیراً خانواده امام موسی صدر از «هانیبال قذافی» پسر معمر قذافی شکایت کرده اند. در این خصوص توضیح بفرمایید.**

تاکنون بارها جلسات محاکمه پسر قذافی در لبنان برگزار شده و به صورت غیابی به همراه شماری دیگر محکوم شده اند. این در حالی است که تمامی مدارک در دسترس نشان می دهد که امام موسی صدر در قید حیات هستند و نشانه ای برای شهادت ایشان وجود ندارد. خانواده ایشان، جنبش امل، حزب الله و مجلس لبنان نیز بر زنده بودن ایشان تاکید دارند و معتقدند که ایشان با دعوتی رسمی، به یک کشور عربی دوست رفته اند. تاکنون نیز خبری دال بر شهادت و یا کشته شدن امام موسی صدر نیست. این موضوع مسئولیت ایجاد می کند حتی برای نظام جدید لیبی.

***مسأله ربوده شدن امام موسی صدر را چگونه از طریق مجامع و سازمان های بین المللی پیگیری می کنید؟ آیا این سازمان ها به شما در این زمینه کمک می کنند؟**

در این مسأله باید اعتراف کنیم که همه ما کوتاهی کرده ایم. کاری جدی از سوی ما برای کشف سرنوشت ایشان صورت نمی گیرد و نه تنها مجامع بین المللی و منطقه ای این موضوع را پیگیری نمی کنند، خود لبنانی ها نیز در این موضوع کوتاهی می کنند؛ تازه پس از سال ها از ربوده شدن ایشان، دادگاهی علیه قذافی تشکیل شده است.

***آخرین خبر از امام موسی صدر چیست؟ اگر نکته پایانی دارید بفرمایید.** تمامی مدارک موجود بر زنده بودن ایشان دلالت می کند و مدرکی مبنی بر شهادت ایشان وجود ندارد. پس از مرگ معمر قذافی مدعی شده بودند که جنازه ای وجود دارد و به نظر می رسد متعلق به امام موسی صدر است اما پس از انجام آزمایش های DNA توسط اروپایی ها مشخص شد که این جنازه متعلق به فرد دیگری است. بنابراین نه تنها هیچ مدرک برای شهادت امام موسی صدر وجود ندارد، حتی نشانه ای برای شهادت همراهان ایشان که آنها هم ربوده شده اند، مطرح نشده است. در پایان تاکید می کنم که با وجود شرایط وخیم جهان اسلام و عادی سازی روابط با اسرائیل توسط برخی کشورهای عربی، ما مایوس و ناامید نمی شویم و تنها گزینه ما مقاومت در برابر دشمن است و ان شالله با یاری خدا مقاومت بر دشمن اشغالگر پیروز و فلسطین آزاد خواهد شد.

شیخ الازهر راه اهل سنت را از سلفی‌ها جدا کرد

به گزارش خبرگزاری اهل‌بیت(ع) -ابنا- کنفرانس «اهل سنت چه کسانی هستند» که با حضور ۲۰۰ عالم اهل سنت به ویژه مفتیان دانشگاه الازهر در تاریخ ۴ شهریور در چچن روسیه برگزار شد، از مفتیان سلفی و وهابی سعودی و قطری برای شرکت در این کنفرانس دعوت نکرد که این موضوع باعث واکنش شدید و عصانیت مفتیان سلفی و وهابی شد. علاوه بر این در این کنفرانس که با سخنرانی «رمضان احمد قدیرف» رئیس‌جمهور چچن در شهر «گروزنی» آغاز به کار کرد، سعی شد تا تعریفی جامع از مذهب «اهل سنت» شکل بگیرد؛ تعریفی که وهابیت و سلفی‌گری تکفیری در آن جایی نداشت.

در این کنفرانس که شیخ «احمد الطیب» شیخ الازهر نیز حضور داشت، شرکت کنندگان در بیانیه پایانی اهل سنت را این چنین تعریف کردند: «اهل سنت در اعتقاد و مذاهب کلامی، اشعری و ماتریدی و در فقه همان مذاهب چهار گانه حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی هستند و اهل تصوف پاک از نظر علمی و اخلاقی و تزکیه نفس همچون امام‌الجنید (جنید بغدادی) و امثالهم هستند».

در این کنفرانس تاکید شد که وهابیت و سلفیت باعث تفرقه در امت اسلامی و بدنامی اسلام شده است.

در بیانیه پایانی همچنین آمده است: جلوگیری از انحراف و به خطر افتادن مفهوم اهل سنت و جماعت مسأله بسیار مهم و ضروری است، مفهومی که تندروها سعی دارند این عنوان شریف را برابیند و آن را به خود محدود کنند.

اما این کنفرانس چنان که گفته شد خشم مفتیان و علمای وهابی تکفیری را در عربستان و مصر برانگیخت و با بیان اظهاراتی به بیانیه پایانی این کنفرانس واکنش نشان دادند.

اما در تازه ترین واکنش‌ها به این کنفرانس در مصر، یاسر برهای نائب رئیس جنبش سلفی‌های مصر گفت: در بیانیه پایانی کنفرانس چچن تلاش شده لقب اهل سنت و جماعت از اهل آن مصادره شود؛ چراکه طبق این بیانیه تمام فرقه‌های سلفی از دایره اهل سنت خارج هستند.

بره‌های افزود: تنظیم کنندگان بیانیه پایانی این کنفرانس توجه نداشته اند که چه جوانان زیادی پیرو سلفیه هستند و بیرون راندن آنها از دایره اهل سنت موجب ایجاد دشمنی می‌شود؛ چرا که آنها اهل سنت را منحصر به اشاعره و ماتریدیه دانسته اند.

از سوی دیگر «عماد قنذیل» با اشاره به برگزاری کنفرانس اهل سنت چه کسانی هستند در کشور چچن و سخنان شیخ الازهر در این کنفرانس، گفت: مشخص شدن دایره اهل سنت در این کنفرانس ضربه سهمگینی بر تکفیری‌ها بود و شیخ الازهر با سخنان خود پرده از چهره سلفی‌های وهابی تکفیری و تروریست برداشت.

وی افزود: کنفرانس چچن، طلاق بائن میان اهل سنت و سلفی‌های وهابی بود که چهره اهل سنت را مخدوش کرده اند و زمانی که شیخ الازهر سخنان خود را در آن کنفرانس بیان کرد تمام جهان متوجه شدند که این تندورها و با تمام تشکیلات و گروه‌هایی که دارند از اهل سنت نیستند، بلکه اهل انفجار و تکفیر هستند.

قنذیل افزود: سخنان احمد الطیب سرآغازی قدرتمند در راستای اصلاح گفتمان دینی و جدا شدن اهل سنت از تکفیری‌های تروریست بود و شیخ الازهر به این خاطر شایسته تقدیر است.

آیت‌الله اراکی:

بزرگ‌ترین مصیبت امت اسلامی، تشکیل رژیم صهیونیستی است

ایستادگی در برابر این رژیم غاصب نشان دهنده پویایی، پایداری، شوکت اسلامی و عزت محمدی است.

وی همچنین با اشاره به آیات قرآن، مؤمنان را برادر یک‌دیگر دانست و گفت: تمام مسلمانان، فرزندان حضرت نبی اکرم(ص) هستند و توجه به این موضوع سبب ایجاد وحدت میان امت اسلامی می‌شود.

وی خاطر نشان کرد: وحدتی که جمهوری اسلامی ایران، کشورهای اسلامی دیگر را به آن دعوت می‌کند هویت اسلامی است؛ هر چند در آرا و اجتهاد با هم متفاوت هستند.

آیت‌الله اراکی، اختلاف دیدگاه، نظر و آرا در میان علمای اسلام را امر طبیعی بیان کرد و اظهار داشت: در زمان نبی اکرم(ص) نیز صحابه با هم اختلاف نظر و آرا داشته‌اند ولی این اختلاف سبب اختلاف در هویت نیست، چرا که همگی مسلمانان به خدا، پیامبر(ص)، قرآن، کعبه و... معتقد هستند. دبیر کل مجمع جهانی تقریب تأکید کرد: دعوت ما به وحدت به سبب این است که هویت ما مرهون همین وحدت است.

وی از تقوا به عنوان مهم‌ترین مبنای حضرت محمد(ص) یاد کرد و گفت: مسیر عزت، مسیر پیامبر(ص) و اسلام است. در حالی که امت اسلامی قرون بسیاری را در تاریکی به سربرده و این خود سبب از بین رفتن شوکت امت اسلامی شده است. دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی با تأکید بر این‌که دشمنان تلاش می‌کنند به روش‌های مختلفی به امت اسلامی ضربه بزنند، تشکیل گروه‌های تکفیری و تروریستی را از جمله این روش‌ها برشمرد.

آیت الله اراکی، بزرگ‌ترین مصیبت امت اسلامی را تشکیل رژیم صهیونیستی دانست و با اشاره به آیات قرآن از صهیونیست‌ها به عنوان بدترین دشمنان مسلمانان نام برد.

وی تأکید کرد: دشمنی صهیونیست‌ها تا جایی پیش رفت که امروز در تمام شکونات مسلمانان دخالت می‌کنند و حتی در برخی از کشورهای اسلامی مسئولان را نیز آن‌ها تعیین می‌کنند. آیت‌الله‌اراک‌ی اظهار داشت: وجود رژیم صهیونیستی نشان دهنده پس رفت امت اسلامی بود و مقاومت و

شرح صدر «امام موسی» برای تقریب

حال، امام موسی صدر ثابت کرد که می‌توان در مسیر تقریب و همزیستی مسالمت آمیز گام برداشت و از اعتقادات بحق هم، کوتاه نیامد.

نخستین گامی که امام موسی صدر در مسیر تقریب مذاهب اسلامی و زمینه‌سازی برای همزیستی مسالمت‌آمیز با پیروان سایر ادیان برداشت، تقویت جایگاه و موقعیت اجتماعی و اقتصادی شیعیان لبنان بود. او به خوبی می‌دانست که زمانی می‌تواند به طرح این بحث راهبردی در جامعه لبنان بپردازد که سخنان او، به عنوان زعیم شیعیان لبنان، شنیده شود؛ موضوعی که عمیقاً، به جایگاه و موقعیت اجتماعی شیعیان لبنان بستگی داشت. اما امام موسی صدر برای رسیدن به این هدف مهم، مانند برخی سیاستمداران، به دسیسه‌چینی و توطئه روی نیاورد.

او ابزار اتحاد، نیکوکاری و تشریک مساعی را برای حل مشکلات برگزید و با آن به جنگ محرومیت شدید شیعیان لبنان، در عرصه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی رفت. تأسیس جمعیت «برّ والا حسان»، مدرسه صنعتی «جبل عامل»، «بیت‌الفتات» (خانه دختران) و بعدها، «مجلس اعلای شیعیان لبنان» و «امل»، اقداماتی در همین زمینه بود. امام موسی صدر، با اقدامات حساب شده و به دور از هرگونه تنش، اولاً، جایگاه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی شیعیان لبنان را تقویت کرد و ثانیاً، با کنار زدن غبار سوءتفاهم و بدبینی سایر طوایف نسبت به شیعیان، موفق شد باب گفت و گو با آنها را باز کند. اما او، فعالیت خود را در این زمینه، به گفت‌وگوی صرف محدود نکرد. حمایت امام موسی صدر از شهروندان غیرشیعه و حتی غیرمسلمان لبنانی، باعث ایجاد علاقه و اعتماد نسبت به او و شیعیان لبنانی شد و راه را برای اقدامات

سعودی‌ها لیاقت خادمی حجاج را ندارند

ماموستا عبدالقادر بیضاوی در خطبه‌های نماز جمعه با اشاره به فرا رسیدن عید قربان و زیارت زائران خانه خدا، اظهار کرد: حادثه تلخ منا که سال گذشته در اوج بی کفایتی سران سعودی رقم خورد ضربه سختی بر ایران اسلامی بود. وی افزود: این حادثه در کنار خانه خدا و در مناسک حجبی برگزار شد که هدفش برقراری اتحاد است و نه تفرقه، لذا جنایت در این مکان و در مقابل مسلمانانی که برای اجابت مناسک حج به سرزمین وحی آمده‌اند، مصداق بی تدبیری، عدم لیاقت و قصور در انجام وظیفه است و نشان می‌دهد آل سعود با مسلمانان نیز در جنگ است.

امام جمعه اهل سنت ارومیه با بیان اینکه سعودی‌ها لیاقت خادمی و توان خدمت رسانی به حجاج بیت الله الحرام را ندارند، تصریح کرد: حج، از واجبات دینی و غیرقابل واگذاری است، مگر اینکه مانعی در این راه باشد که در این زمان حکومت جنایتکار آل سعود مصداق بارز این مانع است.

بیضاوی با اشاره به محروم بودن ایرانیان از مناسک حج، اضافه کرد: رژیم جیره خوار عربستان با تبعیت از اهداف استکباری مانع از حضور ایرانیان در مناسک حج شده است چرا که امروز سرزمین مقدس مکه در چنگال رژیم جنایتکار سعودی است. وی تاکید کرد: هیچکس حق ندارد مسلمانی را از حضور در مناسک حج بازدارد.

جواد نوائیان رودسری

وقتی در سال ۱۳۳۸هـ.ش، سیدموسی صدر به لبنان رفت تا زعامت شیعیان این کشور را برعهده بگیرد، لبنان، سرزمین اختلاف و آشوب بود. اقلیت مسیحی، مناصب اصلی حکومتی، مانند ریاست‌جمهوری و فرماندهی ارتش را در اختیار داشت. بر اساس قانون اساسی لبنان که توسط استعمارگران فرانسوی به این کشور تحمیل شده‌بود، شیعیان نمی‌توانستند متصدی پست‌های کلیدی حکومت شوند. این قانون اساسی، خود عاملی برای دامن‌زدن به اختلافات طایفه‌ای و مذهبی بود. این اختلافات، گاه رنگ و بوی خشونت به خود می‌گرفت و خسارات بسیاری در پی می‌آورد. واقعیت این بود که در آن بحبوحه، هیچ کس در لبنان، امیدی به بهبود شرایط نداشت.

در جنوب این کشور، رژیم صهیونیستی، پس از اشغال فلسطین، چشم طمع به اراضی جنوب لبنان و مزارع «شیعاً» دوخته‌بود. دفاع از تمامیت ارضی لبنان، با وجود اختلافات عمیق سیاسی و مذهبی، کاری ناممکن به نظر می‌رسید؛ اما سیدخوش سیما و بلندقامت ایرانی، آمده‌بود تا ناممکن‌ها را ممکن کند. امام موسی صدر، راه تعامل با سایر مذاهب و ادیان را به خوبی می‌دانست. او آگاه بود که بدون ایجاد زمینه دوستی، مودت و همدلی، نمی‌توان امیدی به تقریب مذاهب اسلامی و همزیستی مسالمت‌آمیز با پیروان سایر ادیان، در لبنان داشت. برای فراهم شدن این زمینه، لازم بود شخصیتی قدم پیش بگذارد؛ اما چه کسی؟ گمان رهبران طوایف لبنانی این بود که برای پیشگامی در این عرصه، باید دست از اعتقادات و ادعاها برداشت. این گمان واهی وقتی با جاه‌طلبی و خودخواهی سیاستمداران فرصت‌طلب آمیخته می‌شد، راه را بر هر نوع تفاهم می‌بست. با این

نشریه مرکز بررسی‌های اسلامی

دوهفته‌نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: **سیدهادی خسروشاهی**

دفتر مرکزی: قم / خیابان شهدا (مغانپه) / نبش ممتاز

تلفکس: ۳۷۷۴۱۴۲۳۳ صندوق پستی: ۱۳۶ چاپ: ولیعصر

سایت‌های مرکز

مرکز بررسی‌های اسلامی: www.iscq.ir

استاد خسروشاهی: www.khosroshahi.org

پست الکترونیکی: besatonline@gmail.com

فضایل اهل بیت (ع) به روایت

محقق هندی به ایران رسید

«تاریخ آل امجاد» یکی از کتاب‌های تاریخی مذهبی شیعی در باب زندگی‌نامه‌ی چهارده معصوم است که به تازگی با تصحیح و تحقیق رضا مصطفوی به فارسی ترجمه و منتشر شده است.

ابوالفضل محمدعباس شروانی کتاب را در سال ۱۳۹۱ هجری در هند نگاشته است. در نسخه‌های موجود، علمی هم‌عصر و مکان مؤلف، بر آن تقریظ زده و در فضل نویسنده و ارزش این کتاب سخن کرده‌اند که این از نشانه‌های ارزش این کتاب است.

کتاب در پانزده فصل سامان یافته و در هر فصل، به‌گونه‌ای روان، موجز و گویا، به یکی از معصومان بزرگوار پرداخته و در فصل پانزدهم، فضایل اهل بیت و فرزندان آنان را مورد توجه قرار داده است. مؤلف در این فصل کوشیده است با بهره‌گیری از منابع اهل سنت، فضل و کرامت و ارزش این خاندان را بر خوانندگان خویش روشن کند. این فصل که فصلی طولانی‌تر از دیگر فصول کتاب است، سرشار از روایاتی است که از منابع اهل سنت بیرون کشیده است.

ابوالفضل محمدعباس شروانی یعنی نویسنده این کتاب از جایگاه و اعتبار علمی و فنی قابل توجهی در جامعه هند برخوردار است. وی در این کتاب منابعی درباره‌ی تاریخ اسلام معرفی کرده است و این‌که آن منابع در هند چگونه مورد استفاده قرار می‌گرفته و بررسی نقش واسطه‌ای این منبع نسبت به آنها می‌تواند برای محققان تاریخ هند، اسلام و تشیع، بسیار مهم و کاربردی باشد، گویای اصالت علمی کتاب نیز هست که البته در تعلیق و تصحیح پیش رو، بر اهمیت و سلامت و ارزش کار این کتاب صحه گذاشته شده است.

کتاب دارای پیام تاریخی است که در محورهای گوناگون قابل استنباط است. (حکایت‌گری، جغرافیا، جامعه‌شناسختی) و نسبت به آثار مشابه دارای مزیت است؛ از جمله ترسیم مکان‌ها و مشاهد مشرفه و توصیف توپولوژی منطقه‌ی مورد معاینه و بازدید، که در زمان خود مؤلف، ناشر نیز اطلاعاتی را به آن ضمیمه کرده است؛ از جمله تصاویری از مشاهد مشرفه و اماکن متبرکه در عصر مؤلف.

جدای از ارزش علمی اثر، ارزش ادبی و تحلیل فرمی اثر در خور توجه ادیبان و زبان‌پژوهان است و اختصار در بیان و بلاغت در معانی، و ویژگی‌های این کتاب ارزشمند است.

بازسازی و بازیابی اثری شیعی که در بین کتاب‌های امثال خود، می‌توان آن را اثری هم جامع و هم فاخر از نظر ادبیات، و هم دارای قابلیت استناد پژوهش‌گران دانست و معرفی آن و خالق آن به جامعه‌ی ایران اسلامی که بیانگر تعامل فرهنگی قوی و غنی با جامعه‌ی مسلمان کشور هندوستان است، کم‌فایده نخواهد بود.

این نخستین اثر از این نویسنده صاحب نام است که در ایران و با تصحیح و تحقیق رضا مصطفوی و در انتشارات عهد مانا منتشر شده است.

بیش از ۴۰۰ نسخه نفیس خطی درباره امام رضا(ع) در کتابخانه آستان قدس

کتابخانه کهن است.»

وی با اظهار اینکه آثار ارزنده خوشنویسی از زیارت‌نامه‌های خاصه حضرت رضا علیه السلام در این گنجینه نگهداری می‌شود، بیان کرد: «از جمله آن، نسخه بسیار ممتازی از دوزیارت جوادیه و هفت حدیث است» نوری‌نیا از چند اثر دیگر یاد کرد و گفت: «اثر دیگر راجع به حضرت رضا علیه‌السلام، «مثیر الاشجان فی ذکر احوال غریب خراسان» است؛ «اللمعات الرضویه» شرحی است از «محمدمهدی موسوی تنکابنی» بر خطبه توحیدیه حضرت رضا علیه‌السلام که از سوی مقام معظم رهبری وقف کتابخانه شده؛ نسخه بسیار نفیسی از «لوامع الانوار فی شرح عیون الاخبار» که شرح سیدنعمت‌الله جزایری از محدثان عالیقدر شیعه بر عیون اخبار الرضا علیه‌السلام است که به خط نسخ محمدصالح بن عبدالرشید بوده و به دست خود سید در شوشتر تصحیح شده است.»

وی در پایان با بیان اینکه آثار هنری بی‌بدیلی به دست عاشقان و ارادتمندان این امام رثوف خلق شده و در حال حاضر در این گنجینه نگهداری می‌شود، یادآور شد: «از دیگر آثار مرتبط با حضرت رضا علیه السلام در گنجینه مخطوطات آستان قدس، دو تابلوی حدیث شریف سلسله الذهب است که یکی تصویرسازی و دیگری کتابت با طلاست که هر دو اثر به دست هنرمندان معاصر خلق شده است.»

الجالوت تألیف «قاضی سعید قمی» بوده و به خط خود مؤلف کتابت شده است؛ این اثر گرانسنگ ضمیمه مجموعه اربعینیات قاضی سعید است.» وی کتاب شریف صحیفه الرضا علیه‌السلام را از کتب و اصول معتبر نزد امامیه دانست که به طرق متعدد از محدثان شیعه و سنی روایت شده است. نوری‌نیا ادامه داد: «در منابع از این اثر با عناوین مختلفی یاد شده است؛ از جمله در مجمع‌البیان بانام «مسند الرضا علیه‌السلام» و در کشف الغمه با نام «رضویات» آمده که در کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، بیش از ده نسخه از این اثر نگهداری می‌شود که یکی از نسخه‌های نفیس، در سال ۸۸۱ هجری قمری به خط «اسماعیل بن عبد المؤمن قاینی» کتابت شده است.»

نوری‌نیا اظهار داشت: «کتاب «شرایع الأحکام» احادیث روایت‌شده از حضرت رضا علیه‌السلام است که «ابوالفضل بن سهل ذوالریاستین» از حضرت تقاضا نمود کتابی در اصول و فروع مرقوم فرمایند که به خواش وی این کتاب ترقیم یافت و نسخه آستان قدس به خط نسخ عالی سه ستونه چلیپایی کتابت شده است.»

رئیس اداره مخطوطات آستان قدس رضوی از رساله ذهنیه که روایتی از دانش پزشکی حضرت است نام برد و توضیح داد: «نسخه‌های بسیاری از این اثر ارزشمند و ترجمه آن، زینت‌افزای این

به گزارش لیزنا، رئیس اداره مخطوطات سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی اعلام کرد: «مجموعه ارزشمندی افزون بر ۴۰۰ نسخه خطی و چاپ سسنگی نفیس مربوط به حضرت رضا علیه‌السلام شامل تألیفات، احادیث و روایات و شرح و حاشیه آن در کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود و تنها ۷۰ نسخه از این میان، مربوط به اثر ارزشمند «عیون اخبار الرضا» است.»

حجه‌الاسلام محمد حسن نوری‌نیا ابتدا به نسخه‌ای اشاره کرد که از اهمیت شایان توجهی برخوردار است و اظهار داشت: «این نسخه، شرح احوال حضرت رضا علیه‌السلام به قلم مرحوم عصار است که خود مؤلف آن را کتابت نموده است.»

وی به شروخی که بر احوال الرضا نگاشته شده اشاره کرد و گفت: «از جمله شروح آن، «حجج الرضویه» تألیف «شیخ اسماعیل شریف شاه‌رودی تهرانی» است که نسخه آستان قدس به خط نسخ است، و شرح دیگر، «تحفه الرضا» در شرح احوال حضرت رضا علیه‌السلام و آداب زیارت آن حضرت نگاشته شده است.»

نوری‌نیا با اشاره به یکی دیگر از نسخه‌های ارزشمند این گنجینه که به دست مقام معظم رهبری به کتابخانه آستان قدس رضوی اهدا شده است، تصریح کرد: «نسخه ممتازی از «فوائد الرضویه» موجود است که شرح حدیث رأس

بالا رفتن بدون اجازه از دیوار کوتاه مولف و ناشر

جالب اینکه آثار همین استاد نگران پژوهش در خیابان انقلاب هم در فضای مجازی بدون اطلاع خودش در تلگرام گذاشته شده است. باید فکر عاجلی در این زمینه شود زیرا این جریان ناپسند که صدمه بسیاری به فرهنگ خواهد زد و تمام عرصه را خواهد پیمود و می‌بینیم این روزها چه می‌کند و چگونه باعث رنج اهالی فرهنگ (مولفان و نویسندگان) می‌شود که کوتاه‌ترین دیوار فرهنگ و ادب این سرزمین هستند.

این روزها مشاهده می‌کنیم این چریک‌های فرهنگی از دانلود کتاب‌ها به دانلود دانشنامه‌ها ارتقا پیدا کرده‌اند؛ دانشنامه‌هایی که با صرف هزینه فراوان به چاپ رسیده‌اند و یا سایت‌هایی را می‌بینیم که نمی‌دانیم با کدام رانت و ارتباطی به راحتی و رایگان پایان‌نامه‌های دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد و دکتری را برای دانلود گذاشته‌اند! کمی تفکر و نگاه به آینده در فرهنگ لازم است تا قوانین کپی‌رایت و پیگیری قضایی برای این افراد رعایت شود یا باید اهل قلم و ناشران خود دست به کار شوند زیرا این کار هم از نظر شرعی و هم از نظر اخلاقی مورد نکوهش فراوان است.

امیدوارم این یادداشت بتواند تلنگری برای این دلسوزان ناآگاه فرهنگی در این آشفته بازار نشر باشد که به دنبال التهاب هستند تا آرامش اهل واقعی فرهنگ ایران زمین.

سیری در منابع شیعی تاریخ ائمه از اربلی تا مجلسی منتشر شد

را کاویده و این مهم را محدوده زمانی اواخر قرن هفتم تا اوایل قرن دوازدهم که علی بن عیسی اربلی و علامه محمد باقر مجلسی از شخصیت های مهم و مطرح شیعه در ابتدای و انتهای آن حضور دارند بررسی کرده و کتاب هایی را معرفی می کند که به دوازده امام توجه دارند.

کتاب سیری در منابع شیعی تاریخ ائمه علیهم السلام از اربلی تا مجلسی به دنبال آن است که نخست با معرفی منابع مربوطه به زندگی دوازده امام علیهم السلام در دوره زمانی مورد نظر شناختی کلی به لحاظ شکل و محتوا از آنها به دست دهد و با بررسی این آثار میزان تغییرات شکلی و محتوایی آنها را معلوم سازد تا از این طریق ارزش و اعتبار این آثار نسبت به کتاب های متقدم روشن گردد.

چند دقیقه، صدها اثر در تمام حوزه‌ها را رایگان به دوستان خود ارسال می‌کنند و یا در این گروه‌های شبه‌علمی و با کانال‌های شبه فرهنگی می‌فرستند و دردناک‌تر اینکه افراد دریافت کننده تشکرها و القاب کاذب و درودهای فراوانی را نثار آن فرد به ظاهر خیر اما در باطن نادان از قوانین نشر می‌کنند. حال پرسش این است باید با این پدیده در این آشفته بازار نشر چگونه رفتار کرد؟

می‌دانم و تا حدودی که اخبار فرهنگی را دنبال می‌کنم مسئولان در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و موسسه خانه کتاب تسهیلات فراوانی را برای علاقه‌مندان کتاب قرار داده‌اند تا اهالی فرهنگ آسان‌تر و ارزان‌تر بتوانند کتاب‌های مورد نیاز خود را تهیه کنند اما مساله این است که چرا به‌طور جدی با این پدیده برخورد نمی‌شود؟ با این ناآگاهی فرهنگی تیشه به ریشه فرهنگ این سرزمین زده می‌شود. اولین آسیب آن در بلندمدت نبود رغبت چاپ آثار ارزشمند توسط ناشران خواهد بود زیرا این آثار به وفور توسط این اشاعه‌دهندگان ناآگاه در تلگرام و سایت‌ها نامعتبر مختلف برای تشنگان مدرک‌گرا گذاشته شده است. پژوهشگری قابل اعتنا و شناخته شده در تاریخ ایران در گروهی تلگرامی می‌گفت: «سه متن مهم درباره صفویان آماده چاپ دارم، که یکی از آنها در مورد تاریخ خلیج فارس است. به دلیل همین قضیه دانلود هیچ‌کس حاضر به سرمایه‌گذاری نیست»

اینها: امید اخی، پژوهشگر تاریخ و دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه شیراز: خاطرم است سالیان گذشته، یک روز از خیابان انقلاب با استاد و مورخی شناخته شده که سالیان درازی است در فرنگ زندگی می‌کند، عبور می‌کردیم و فریادهای گوش‌خراش فروش مقاله و نگارش پایان‌نامه را می‌شنیدیم. این مورخ از وضع فرهنگی و رعایت نشدن اصول اولیه پژوهش در ایران ابراز ناراحتی بسیاری کرد، حال جالب اینکه این داذن‌های فرهنگی و در عنوان بهتری با نام خیرین ناآگاه از خیابان انقلاب به فضای مجازی کوچ کرده‌اند.

این روزها که ظرفیت دانشگاه‌ها بیشتر از متقاضیان آن شده و شوربختانه این افزایش ظرفیت بیشتر گریبان تحصیلات تکمیلی را گرفته و موازی با آن فراگیری و استفاده از فضای مجازی مخصوصا با نرم‌افزار تلگرام توسط اهل فرهنگ و تشکیل گروه‌ها و کانال‌ها (که امیدوارم در یادداشتی جداگانه به آسیب‌های آن هم بپردازم) چند وقتی است با پدیده‌ای نو به‌نام دانلود رایگان روبه‌رو هستیم، کتاب‌های بسیاری که با رنج فراوان مؤلف و ناشر سال‌ها پیش به چاپ رسیده و همچنان پس از سیری شدن مدت زمان طولانی تعدادی از این کتاب‌ها در انبار ناشران و مولفانی که خود هزینه چاپ را داده‌اند، موجود است.

در این میان تعدادی افراد ناآگاه که از حقوق مؤلف و ناشر مطلع نیستند) بی‌محابا در عرض

به همت پژوهشکده تاریخ و سیره اهل بیت علیهم السلام پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی کتاب سیری در منابع شیعی تاریخ ائمه علیهم السلام از اربلی تا مجلسی نوشته غلامحسن حسین زاده شانه چی چاپ و منتشر شد.

در قسمت سخنی با خواننده این کتاب آمده: آموزه های شیعی امامان معصوم علیهم السلام را اسوه و الگوی جامعه شیعه معرفی کرده اند و احادیث فراوانی بر تمسک به سیره آنان دلالت دارد. همین نکته سبب شده تا ثبت و ضبط اخبار مربوط به آنان مورد توجه قرار گیرد و آثار فراوانی در طی قرون متمادی درباره آنان به رشته تحریر درآید؛ شیعیان نیز به دلیل های مختلفی در ادوار گوناگون به دنبال استخراج و فهم زوایای زندگی معصومان علیهم السلام از لایلای منابع اولیه برآمدند؛ این در